

بررسی تأثیرات سیاست خارجی ترکیه در اقلیم کردستان عراق بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۳-۱۹۹۱)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۷/۱۵	فرهاد درویشی ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۲/۰۹/۲۰	علی محمدیان ^۲
صفحات مقاله: ۱۸۱ - ۱۳۷	

چکیده:

پس از تشکیل حکومت خودگردان اقلیم کردستان عراق در سال ۱۹۹۱ و سقوط رژیم صدام در سال ۲۰۰۳ و با تصویب قانون اساسی عراق روابط ترکیه و اقلیم کردستان در یکی دو سال اول دچار تنش‌های زیادی شد که حتی طرفین هم‌دیگر را تهدید به جنگ نمودند، اما این کشور از سال ۲۰۰۹ از طریق حضور گسترده و سرمایه‌گذاری‌های عظیم اقتصادی به دنبال کسب منافع اقتصادی و مهار شورشیان کرد از طریق همکاری با حکومت اقلیم کردستان برآمد.

بنابراین، مقاله‌ی حاضر با اتخاذ رویکردی توصیفی-تبیینی، می‌کوشد تا تأثیرات سیاست خارجی ترکیه در حکومت اقلیم کردستان بر منافع جمهوری اسلامی ایران را بررسی نماید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در دهه‌ی دوم از عمر حکومت اقلیم کردستان، نفوذ ترکیه در آن منطقه افزایش یافته و اثرات زیادی بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران داشته است که از جمله‌ی آنها می‌توان به ناامنی مرزهای غرب کشور و عدم موفقیت ایران در زمینه‌ی ایجاد اتحاد کردها با شیعیان اشاره نمود، در خصوص اثرات اقتصادی بیان این نکته ضروری است که از ۲۰۰۹ به بعد ترکیه در زمینه‌ی فعالیت‌های اقتصادی از جمهوری اسلامی پیشی گرفته و موفق‌تر عمل نموده است.

* * * * *

واژگان کلیدی

سیاست خارجی، ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، حکومت اقلیم کردستان عراق، پ.ک.ک.

۱ - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

۲ - کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

مقدمه

حمله‌ی عراق به کویت، رویارویی نیروهای تحت امر سازمان ملل متحد به رهبری آمریکا با صدام، جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۱) و شکست عراق، فرصت مناسبی را برای کردهای آن منطقه فراهم آورد تا به آرزوی دیرینه‌ی خودشان برسند. شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ی ۶۸۸، با ایجاد مناطق امن^۱ و مناطق ممنوعه پروازی^۲ در شمال و جنوب کشور عراق برای کمک به مردم آواره موافقت نمود. منطقه‌ی امن کردستان، شامل سرزمین‌های واقع در شمال مدار ۳۶ درجه بود که در پی آن استان‌های کردنشین سلیمانیه، اربیل و دهوک از سیطره‌ی بغداد رهایی یافتند. با رهایی این منطقه، سه عامل عمده یعنی پایان جنگ سرد (فروپاشی شوروی)، حمله‌ی عراق به کویت و پیامدهای آن و اعلام نظم نوین جهانی^۳ از سوی آمریکا باعث توجه مجدد ترکیه به شمال عراق شد. این عوامل موجب شد که رهبران ترکیه به فکر احیای حداقل بخشی از امپراتوری عثمانی بیفتند و به دلیل جو نامطلوب شمال عراق و مهم‌تر از همه تضعیف صدام پس از شکست در جنگ دوم خلیج فارس و فقدان توانایی مداخله در این منطقه، کردستان عراق را ضمیمه‌ی خاک خود نمایند.

ترکیه در طی چند سال گذشته، در پناه حمایت‌های گسترده‌ی ایالات متحده از نیروهای خارجی تأثیرگذار در حکومت اقلیم کردستان^۴ عراق بوده و سیاست‌های خاص خود را در زمینه‌های (امنیتی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی) اعمال نموده است. مهم‌ترین عامل توجه ترکیه به حکومت اقلیم کردستان عراق علاوه بر موقعیت ژئوپولیتیکی، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در این منطقه است. از دیگر عوامل حضور ترکیه در شمال عراق، بازیگران غیردولتی ترکیه از قبیل بخش خصوصی اقتصادی ترکیه هستند. این گروه با اهداف گوناگون اقتصادی، آموزشی و اعتقادی در شمال عراق حضور دارند. با توجه به نکات یاد شده، بررسی اهداف، منافع و

-
- 1 - Safe Haven Zones
 - 2 - Safe Haven Zones
 - 3 - New World Order
 - 4 - Kurdistan Regional Government

سیاست‌های ترکیه در سال‌های اخیر نسبت به حکومت اقلیم کردستان محور اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. در این پژوهش تلاش می‌شود تا با تشریح و تبیین ابعاد سیاست‌های ترکیه در این منطقه و موضوع اکراد، تأثیرات و پیامدهای آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران نیز مورد بررسی قرار گیرد.

از مهم‌ترین دلایل اهمیت این موضوع، متأثر بودن منافع جمهوری اسلامی ایران از وضعیت موجود در حکومت اقلیم کردستان می‌باشد. حمایت ایالات متحده از ترکیه از یک سو در جهت اجرایی شدن اهداف آن کشور در حکومت اقلیم و از سوی دیگر در جهت مقابله با نفوذ و منزوی ساختن ایران در منطقه می‌باشد نیز در انتخاب این موضوع بی‌تأثیر نبوده است. آمریکا به شدت نگران تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران به لحاظ هم‌جواری و پیشینه‌ی داشتن روابط با رهبران کرد در این منطقه است؛ از این‌رو، سعی دارد با برقراری روابط حسنه بین رهبران حکومت اقلیم و ترکیه از نفوذ ایران در آن منطقه بکاهد. با توجه به سیاست توسعه‌ی منطقه‌ای ترکیه و زمینه‌ی ارتباطات قبلی جمهوری اسلامی ایران با سران حکومت اقلیم کردستان، لازم به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی به‌عنوان عضوی از منطقه‌ی خاورمیانه و همسایه‌ی حکومت اقلیم کردستان، نه تنها نسبت به تحولات آن منطقه بی‌تفاوت نباشد، بلکه باید از دو جهت راهبردی و ایدئولوژیکی به تدوین یک سری تصمیمات راهبردی در عرصه‌ی سیاست خارجی، از جمله سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و تعامل با حکومت اقلیم کردستان جهت افزایش منافع ملی و بالا بردن توان منطقه‌ای خود اقدام نمایند. در مجموع، با توجه به حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در کردستان عراق که در همسایگی ایران به سر می‌برند، جمهوری اسلامی نباید نسبت به تحولات بی‌تفاوت باشد و باید از جهات گوناگون سیاسی، فرهنگی و امنیتی فعالیت رقبای خود را رصد کند. چون ترکیه علاوه بر همسایگی، یک رقیب منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و به لحاظ الگوی حکومتی می‌کوشد تا خود را آلترناتیوی برای ملل منطقه نشان دهد.

در مورد سیاست خارجی ترکیه در حکومت اقلیم کردستان عراق و تأثیرات آن بر جمهوری اسلامی ایران کم‌تر مطالبی صریحاً به این موضوع اشاره داشته است. نگارندگان به منظور بهره‌گیری از منابع علمی، مقالات و منابع منتشره را در سه گروه به زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی طبقه‌بندی نموده‌اند. آثار فارسی منتشر شده مانند، مقالاتی با عناوین «سیاست ترکیه در قبال شمال عراق پس از جنگ دوم خلیج فارس» از عادل رئوف و «چشم‌داشت‌های ترکیه به شمال عراق» از دکتر اصغر جعفری ولدانی، بیش‌تر حول محورهای نظامی و در محدوده‌ی زمانی قبل از سقوط صدام (۲۰۰۰-۱۹۹۰) نگاشته شده‌اند. موردی هم که اخیراً آقای محمد بهرامی تحت عنوان «عوامل تأثیرگذار بر روابط آنکارا و حکومت اقلیم کردستان» به آن پرداخته، این تأثیرگذاری‌ها را از سال ۲۰۱۰ بررسی نموده و موضوع ایشان بیش‌تر به روابط ترکیه با حکومت مرکزی عراق و توضیحات آن در مورد حکومت اقلیم جزئی می‌باشد.

منابع لاتین با عناوین «ترکیه و کردهای عراق»^۱ از گزارشات گروه بحران در مورد شرق میانه^۲ و «مسئله‌ای به نام مسأله‌ی کردستان و سیاست خارجی ترکیه»^۳ از کمال کریسکی^۴ و هم‌چنین منابع عربی با عنوان «نقش ترکیه در منطقه از ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰»^۵ از مصطفی جاسم حسین نیز سیاست‌های ترکیه و حکومت اقلیم کردستان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. بر این اساس، این پژوهش در جهت غنی نمودن پژوهش‌های انجام شده در خصوص روابط ترکیه و اقلیم کردستان از زمان خودمختاری کردستان عراق تا سال ۲۰۱۳ انجام گرفته است. در کل تمرکز اصلی مباحث این پژوهش بر بررسی راهبرد^۶ سیاست ترکیه در حکومت اقلیم کردستان بر منافع^۷ جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۳ می‌باشد.

1 - Turkey and Iraqi Kurds

2 - The Crisis Group Middle East

3 - The Kurdish Question and Turkish Foreign Policy

4 - Kemal Kirisci

۵ - الدور الأقليمي التركي للمدة من ۲۰۰۲ الی ۲۰۱

6 - Strategy

7 - Interests

پژوهش حاضر به طور مشخص در صدد پاسخگویی به این سؤال است که سیاست خارجی ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۹۱ نسبت به حکومت اقلیم کردستان عراق چه تأثیراتی بر منافع جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ این پژوهش برای پاسخگویی به سؤال اصلی خود، نیازمند پاسخگویی به سؤال‌های فرعی به شرح زیر نیز خواهد بود:

- ۱) عوامل تأثیرگذار در مبارزات کردها از زمان شروع جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۹۰ چه چیزهایی بودند؟
- ۲) شکل‌گیری و ساختار حکومت اقلیم کردستان به چه صورتی بوده است؟
- ۳) اهداف راهبردی سیاست خارجی ترکیه در اقلیم کردستان عراق چیست؟
- ۴) سیاست خارجی ترکیه در کردستان عراق چه پیامدهای نسبت به جمهوری اسلامی داشته است؟

فرضیه‌ی اصلی پژوهش این است که «نفوذ و توانایی عمل جمهوری اسلامی ایران قبل از سقوط صدام در کردستان عراق بیش‌تر از ترکیه بود، اما با سقوط صدام به دلیل توجه بیش‌تر جمهوری اسلامی به حکومت مرکزی عراق، آنکارا از فرصت به‌وجود آمده را غنیمت شمرده و توانست با نفوذ بیش از حد در حکومت اقلیم کردستان عراق، منافع ملی ایران در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، امنیتی و سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد.

شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و استفاده از متون اینترنتی است. روش تحقیق به‌کار گرفته نیز توصیفی-تحلیلی می‌باشد. منابعی که در این مقاله از آنها استفاده شده به دو دسته‌ی فارسی و انگلیسی تقسیم می‌شوند، ولی کوشش شده تا از منابع غیرفارسی استفاده بیش‌تری شود. پژوهش حاضر در چهار بخش سازماندهی شده است: در بخش اول به وضعیت کردها از شروع جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۹۱ اشاره دارد. در بخش دوم، با نگاهی به کردستان عراق و نحوه‌ی شکل‌گیری آن، به عوامل مؤثر در تداوم و بقا آن اشاره شده است. در بخش سوم سیاست خارجی ترکیه و اهداف آن در شمال عراق توضیح داده می‌شود و در بخش چهارم نیز پیامدهای حاصل از روابط خارجی ترکیه و حکومت اقلیم

کردستان و تأثیر آنها بر منافع ملی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در پایان به نتیجه‌گیری در مورد موضوع پرداخته شده است.

وضعیت کردها از شروع جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۹۱

کردها چهارمین گروه قومی بزرگ در شرق میانه بعد از اعراب، فارس‌ها و ترک‌ها می‌باشند که در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه سکونت دارند. به لحاظ جمعیتی ۲۶ الی ۳۴ میلیون نفر از آنها در جنوب غربی آسیا و حدود ۱ تا ۲ میلیون نفر در خارج از کشورهای این حوزه زندگی می‌کنند. کردها از زمان‌های گذشته همواره بر سر کسب خودمختاری^۱ با دولت‌های حاکم بر آنها درگیر بوده و مدعی‌اند که تنها ملتی هستند که تا به حال نتوانسته‌اند به استقلال سیاسی دست یابند. (McDermott, 1975)

تشکیل کشور عراق و وضعیت کردها در آن

کشور عراق تا قبل از جنگ جهانی اول بخشی از امپراتوری عثمانی بود. با پیوستن عثمانی به متحدین در خلال جنگ جهانی اول، متفقین قراردادهای مختلفی را برای تقسیم امپراتوری عثمانی امضا کردند، یکی از آنها، پیمان سایکس - پیکو^۲ در ۱۶/۵/۱۹۱۶ مربوط به عراق بود، به موجب آن بصره و بغداد به انگلستان و موصل به فرانسه واگذار شد. پس از فتح بغداد در سال ۱۹۱۷، در ۳۱/۱۰/۱۹۱۸ موصل نیز به تصرف انگلیس درآمد و آن را به چهار استان موصل، اربیل، سلیمانیه و کرکوک تقسیم نمود و با ممانعت از دخالت ترکیه زمینه‌ی اعلام هویت را برای کردها مهیا ساخت.

پس از شکست امپراتوری عثمانی، امید کردها با الهام از طرح موضوع کردستان توسط ویلسون^۳ در جامعه‌ی ملل، در خصوص خودمختاری افزایش یافت. پیمان سور^۴ یکی از مهم‌ترین

-
- 1 - Autonomy
 - 2 - Sykes - Picot
 - 3 - Woodrow Wilson
 - 4 - Sèvres

پیمان‌هایی بود که تا آن زمان به ایجاد یک کشور مستقل کرد در بخشی از کردستان اشاره کرد و کردها را به داشتن کشور و رسیدن به آرزوهای شان امیدوار نمود، (O'Leary, 2002:4-6) اما حمایت قاطعانه‌ی مردم ترکیه از آتاتورک در جهت ملغی نمودن این قرارداد و ارائه‌ی دلایل آتاتورک به جهت این‌که ترکیه در تنظیم این قرارداد نقشی نداشته، باعث لغو این قرارداد شد و آرزوی دیرینه‌ی کردها با توسل به زور آتاتورک از آنها سلب گردید. (Othman, 2003)

سه سال پس از شکست پیمان سور، در ۱۹۲۳/۰۷/۲۴ پیمان دیگری به نام لوزان^۱ بین متفقین و دولت ترکیه تنظیم شد، در این پیمان به حقوق کردها اشاره‌ای نشد و بخش بزرگی از کردستان به دولت ترکیه واگذار شد و موضوع موصل هم‌چون قراردادهای قبلی حل نشده باقی ماند، چون آتاتورک موصل را متعلق به ترکیه و آن را بخشی از ترکیه می‌دانست. (بردرینک، ۱۳۶۸: ۹۸) ادعای ترکیه در خصوص موصل، نتایج لوزان را ۳ ماه به تأخیر انداخت. به همین دلیل، در ۱۹۲۵/۰۸/۰۶ موضوع توسط دولت انگلیس به جامعه‌ی ملل^۲ ارجاع داده شد.

جامعه‌ی ملل با استناد به گزارش‌های انگلستان و تأکید بر ملاحظات اقتصادی موصل با عراق، رأی صادر و خط مرزی پیمان سایکس-پیکو را تأیید نمود. با اعتراض ترکیه به این رأی، موضوع جهت بررسی به دیوان بین‌المللی دادگستری^۳ ارجاع و در نهایت دیوان در تاریخ ۱۹۲۵/۱۲/۱۶ رأی خود را صادر و جدایی موصل از ترکیه را اعلام نمود. دولت ترکیه مجبور شد در ۱۹۲۵/۰۶/۰۵ موضوع را خاتمه و خط مرزی مشخص شده در پیمان سایکس-پیکو و کنفرانس لوزان را مورد تأیید قرار دهد.

جنبش‌ها و مبارزات کردها با حکومت‌های عراق

کشور عراق همواره با دو شکاف قومی و مذهبی روبرو بوده است، مهم‌ترین شکاف قومی آن در خصوص اختلافات ساختاری بین اقوام کرد و عرب می‌باشد که همواره مانع به

1 - Lausanne

2 - League of Nations

3 - International Court of Justice

وجود آمدن یک دولت واحد شده و شورش‌های را از طرف کردها نسبت به حاکمان آن کشور در بر داشته. اولین شورش کردها در دوران قیمومیت توسط شخصی به نام شیخ محمود سلیمانیه علیه سلطنت عراق و انگلستان صورت گرفت، این شورش‌ها زمینه سرکوب کردها را در سال ۱۹۳۲ فراهم نمود، به دلیل مبارزه آن‌ها برای کسب استقلال، سیاست پاک‌سازی قومی و نسل‌کشی در مورد آن‌ها به اجرا در آمد. (Jawad, 1979: 172) شورش‌های دیگری نیز توسط احزاب کرد صورت گرفت، از مهم‌ترین احزاب سیاسی آن زمان حزب هیوا (۱۹۳۹)، حزب رزگاری (۱۹۴۵) و حزب دموکرات کردستان^۱ بودند که در این میان نقش حزب دموکرات به رهبری ملامصطفی بارزانی از همه بیشتر بوده است.

با کودتای قاسم و بازگشت بارزانی از شوروی، قاسم قراردادی را با وی امضا نمود، ولی به دلیل اجرایی نشدن آن، مبارزات شدیدی بین آنها روی داد. بعد از قاسم، تا ۱۹۶۸ بین کردها و دولت آرامش نسبی برقرار بود. با آمدن بعثی‌ها در سال ۱۹۶۸ تا سال ۱۹۷۰ اختلافات فزونی یافت و هرگونه فعالیتی از جانب کردها ممنوع اعلام شد. در مارس ۱۹۷۰ قراردادی بین حکومت و بارزانی امضا و امتیازاتی از جمله تدریس زبان کردی و برقراری امنیت در شمال عراق در چارچوب خودمختاری به کردها داده شد؛ اما به دلیل این‌که به کرکوک اشاره‌ای نشده بود، کردها آن را نپذیرفتند و با یک وقفه‌ی ۴ ساله‌ی مبارزات مجدداً آغاز شد، ولی قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ ضربه‌ی سهمگینی را بر مبارزات کردها وارد و با فرار بیش از ۱۰۰۰۰۰ کرد به ایران به پایان رسید. (Case and Siebens, 2012: 4)

با درگذشت بارزانی در سال ۱۹۷۹، حزب دیگری منشعب از حزب دموکرات به رهبری طالبانی، «با گرایش مارکسیستی» (Gunter, 1996: 224) تأسیس و به مبارزه با بعث پرداخت. اولین موج عملیات گسترده علیه کردها در سال ۱۹۸۲ بود که در آن ۸۰۰۰ کرد دستگیر شدند، موج دوم با اجرای سیاست نسل‌کشی^۲ کردها از ۱۹۸۷/۰۳/۲۹ تا ۱۹۸۹/۰۴/۲۳ بیش از

1 - Kurdistan Democratic Party

2 - Genocide

۱۸۲۰۰۰ شهروند کرد از طریق عملیات کردزدایی صدام تحت عنوان انفال به قتل رسیدند. هم‌چنین در اثر بمباران شیمیایی حلبچه ۵۰۰۰ نفر کشته شدند. از طرف دیگر، حکومت با سیاست عربی نمودن کرکوک، شهروندان کرد و دیگر قوم‌ها را از آنجا بیرون و عرب‌ها را جایگزین آنان نمود. (Wright, 2003) با تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و تصمیم جامعه‌ی جهانی به اعمال تحریم‌ها و تهدید به مقابله‌ی نظامی برای عقب‌نشینی بی‌قید و شرط عراق، فرصتی اعجاز‌آمیز به کردها در عراق عرضه کرد. (مک داوول، ۱۳۸۳: ۵۷۹)

بعثی‌ها در مارس ۱۹۹۱، بر بسیاری از مناطق کردنشین تسلط یافتند. سرکوب شدید ناآرامی‌ها توسط حکومت باعث واکنش کشورها از جمله ارسال نامه‌ی ایران (Record of World, 1991:127) به سازمان ملل و واکنش شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه‌ی ۶۸۸ در صدد ایجاد مناطق امن در شمال و جنوب این کشور برآمد و در پی آن استان‌های سلیمانیه، اربیل و دهوک ذیل حکومت خودمختار کردستان عراق از سیطره‌ی بغداد خارج شدند.

تأسیس حکومت اقلیم کردستان عراق

کردستان عراق با مساحتی در حدود ۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع، به‌دلیل موقعیت راهبردی به‌عنوان یک حلقه‌ی پیوندی میان ایران، ترکیه و سوریه به‌شمار می‌رود. این منطقه شامل ۱۷ درصد از کل سرزمین عراق (لازریف، ۱۳۸۱: ۶) و تا حد زیادی کوهستانی و دارای زمین‌های حاصل‌خیز برای کشاورزی است. به لحاظ جمعیتی، کردها بیش از ۲۸ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، (اکرمی‌نیا، ۱۳۸۸) اکثر آنها در سه استان دهوک، اربیل و سلیمانیه ساکن هستند. البته برابر برخی آمارها در کرکوک، خانیقین و بغداد تقریباً ۴۰۰ هزار نفر، در موصل حدود ۶۰ هزار نفر و ۱۰۰ هزار کرد دیگر هم در جنوب عراق زندگی می‌کنند.

نحوه‌ی شکل‌گیری حکومت اقلیم

با ایجاد منطقه‌ی امن در شمال عراق، خلأ بزرگی در قدرت صدام ایجاد و زمینه‌ی استقلال کردها در شمال عراق فراهم شد. مردم و ساکنان این منطقه، در عمل از نفوذ بغداد رهایی پیدا کردند و تحت حاکمیت احزاب و گروه‌های کردی قرار گرفتند. (کرمی، ۱۳۷۶)

۲۰۴: در ابتدای این اتفاق، اتحاد دو حزب (دموکرات و اتحادیه‌ی میهنی^۱) زمینه‌ی تشکیل یک حکومت منطقه‌ای را مهیا نمود؛ بر این اساس، می‌توان گفت که الگوی کردستان عراق در مرحله‌ی بالاتری از خودمختاری قرار می‌گیرد، زیرا نه در چارچوب الگوهای کلاسیک خودمختاری می‌گنجد و نه می‌توان آن را در زمره‌ی الگوهای مختلف فدرالیسم طبقه‌بندی کرد، بلکه در یک حالت بینابینی بین فدرالیسم و استقلال قرار دارد. (حافظ‌نیا، قربانی نژاد، ۱۳۸۹:۲۱۳)

با توافق نهایی بین دو حزب، آنها در صدد تشکیل پارلمان کردستان برآمدند و اولین نمایندگان در تاریخ ۱۹۹۲/۰۵/۱۹ با رأی مردم انتخاب شدند. این پارلمان برای اولین بار در ماه ژوئن تشکیل و ایجاد یک حکومت به نام «حکومت منطقه‌ای کردستان» را که شامل ۱۵ نفر مرکب از وزیرانی از احزاب اسلامی، کمونیستی، آشوری و ترکمن‌ها نیز می‌شد، (کوچرا، ۱۳۷۹: ۱۴۷) تأیید و اربیل را به پایتخت آن انتخاب نمود. پارلمان حکومت اقلیم در تاریخ ۴/۱۰/۱۹۹۲ نوع ارتباط کردستان با حکومت عراق را بر اساس شیوه‌ی فدرالی اعلام و در درخواستی که با هماهنگی نیروهای آمریکایی به حکومت مرکزی ارائه شد، خواهان تفکیک استان‌های کردنشین از حکومت مرکزی شد. دولت عراق علی‌رغم بی‌میلی تنها سه استان اربیل، سلیمانیه و دهوک را کردنشین اعلام نمود. قدرت به‌طور مستقیم بین دو حزب تقسیم گردید و تا اندازه‌ای مشکلات موجود در منطقه را حل نمودند، اما مشکلات اقتصادی، نزاع‌های داخلی و سرانجام دخالت دولت‌های خارجی وجود این تشکیلات را به چالش طلبیدند. (کرمی، ۱۳۷۶: ۲۰۵)

کشورهای همسایه در سال ۱۹۹۴ با شکل‌گیری جنگ برادرکشی بین دو حزب حاکم، علاوه بر تلاش‌های گسترده در جهت جلوگیری از شکل گرفتن کردستان مستقل، سعی داشتند حامی یک از این دو حزب باشند؛ برای مثال، در طی این مدت حزب اتحادیه‌ی میهنی بیش‌تر به سوی ایران و حزب دموکرات به دولت ترکیه تمایل داشتند. در سپتامبر ۱۹۹۸ قرارداد صلحی بین مسعود بارزانی و جلال طالبانی در واشنگتن امضا شد و جنگ خاتمه یافت، اما حکومت اقلیم کماکان بین دو رقیب به‌صورت تقسیم‌شده باقی ماند. روند شکل‌گیری حکومت

1 - Patriotic Union of Kurdistan

اقلیم کردستان تا سال ۲۰۰۳ گرچه با فراز و نشیب‌های همراه بود، به طوری که یک منطقه از شمال عراق در دست دو قدرت اداره می‌شد، اما آنچه واقعاً برای آنها مهم بود، شکل‌گیری یک مدیریت منطقه‌ای به شکل رسمی و قانونی به نام حکومت اقلیم کردستان با سیستم فدرالی بود که با حمایت نیروهای آمریکا و انگلیس محقق شد. (Benli Altunışık: 2007)

در جریان اشغال عراق توسط آمریکا و حامیانش در سال ۲۰۰۳ کردها به متحدین اطلاعاتی آمریکا در عراق تبدیل شدند. حمایت آمریکا از کردها در تدوین قانون اساسی عراق زمینه را به نفع آنها فراهم ساخت و به عنوان تأثیرگذاران اصلی کشور عراق به شمار آمدند، انتخاب الگوی فدرالیسم^۱ برای آن کشور و قانونی نمودن حکومت اقلیم کردستان برابر مواد ۱۱۳ و ۱۳۷ قانون اساسی عراق، هم‌چنین انتخاب طالبانی به عنوان رئیس جمهور و زیرباری به عنوان وزیر خارجه از مهم‌ترین موفقیت‌های آنها بود. ادارات کردستان در سال ۲۰۰۶، در استان‌های کردنشین ادغام شدند و یک حکومت واحد با نهادهای پارلمانی و قضایی و... به رهبری مسعود بارزانی تشکیل گردید. جهت بررسی بیش‌تر موضوع لازم به نظر می‌رسد که پیشرفت‌های حکومت اقلیم در زمینه‌ی سیاست خارجی، امنیت و اقتصاد نیز به صورت جداگانه بررسی گردد.

سیاست خارجی حکومت اقلیم

کردهای عراق پس از جنگ ۱۹۹۱، خواهان گسترش تعاملات دیپلماتیک برای خروج از انزوای ژئوپلتیک بودند. از این‌رو، در طی چند سال گذشته، دیپلماسی با کشورهای همسایه را پیش گرفته و موفق به گسترش آن در سطح بین‌المللی شده‌اند. سیاست خارجی اقلیم با تأکید بر دیپلماسی^۲، اقتصاد، توسعه‌ی امنیت، باز گذاشتن فضا برای سرمایه‌گذاران و استفاده‌ی بهینه از منابع جهت روابط با کشورها، به‌ویژه کشورهای همسایه متمرکز شده است. در حال حاضر، کنسولگری‌ها و دفاتر تجاری از کشورهای متعدد در حکومت اقلیم دایر می‌باشند.

1 - Federalism

2 - Diplomacy

امنیت حکومت اقلیم

برقراری امنیت جهت ایجاد یک محیط مساعد و سیاسی پایدار برای سرمایه‌گذاری از اولویت‌های اصلی حکومت اقلیم می‌باشد. (Kurdistan Government، 2011) در حال حاضر، این منطقه از ثبات نسبی بهتری نسبت به قسمت‌های دیگر عراق برخوردار است. به همین دلیل، منطقه‌ی کردستان در سال‌های اخیر «عراق دیگر» نامیده شد. (Schom، 2009) با خروج نیروهای آمریکا در دسامبر سال ۲۰۱۱ نیروهای پیشمرگه^۱ به صورت ارتش منظمی درآمدند و منطقه‌ی تحت کنترل آنها گسترش یافت و علاوه بر استان‌های قبلی، موصل و کرکوک نیز در کنترل آنها قرار گرفت.

اقتصاد حکومت اقلیم

حکومت اقلیم در خصوص جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت روابط چندجانبه با کشورهای همسایه از هیچ تلاشی دریغ نوزیدند، چون تجربه‌ی مملکت‌داری در شمال عراق به کردها نشان داد که بدون داشتن یک اقتصاد قوی تشکیل یک دولت کرد در عراق در مرحله‌ی اول و در منطقه در مرحله‌ی دوم ممکن نیست. (زیبا کلام و عبدالله پور، ۱۳۹۰) کردستان عراق در حال حاضر پایین‌ترین نرخ فقر را در عراق دارد. بر این اساس، منطقه‌ی کردستان در نظر دارد با تقویت روابط اقتصادی با کشورها، به‌طور سنتی با توسعه‌ی قدرت نرم در منطقه، دشمنان قدیمی خود را به دوستان امروز تبدیل کند.

نفت و گاز از مهم‌ترین منابع اقتصادی منطقه‌ی کردستان است. حکومت اقلیم کردستان قرارداد اکتشاف خود را برای اولین بار با DNO بین‌المللی در سال ۲۰۰۴ امضا نمود. (2011 22)، (paz) اولین چاه نفت جدید پس از حمله به عراق در سال ۲۰۰۶، در منطقه‌ی کردستان، با همکاری شرکت نروژی DNO حفر شد. گرچه بازیگران اولیه، شرکت‌های کوچکی بودند، اما به محض فراهم شدن شرایط، در دسامبر ۲۰۱۱، اکسون موبیل^۲ بزرگ‌ترین شرکت تجاری در

1 - Peshmerga

2 - Exxon Mobil

جهان، وارد حکومت اقلیم شد. البته بر اساس آمارها تا سال ۲۰۱۲-۴۸ قرارداد با ۳۲ شرکت امضا شده است. (Crisis Group, 2012)

سیاست ترکیه در اقلیم کردستان

با آغاز جنگ سرد، قلمرو ترکیه از نظر راهبردی در عرصه‌ی بین‌المللی محدود شد. سیستم دو قطبی کشورها را مجبور کرد تا خود را در یکی از دو قطب قدرت رقیب، ایالات متحده یا شوروی قرار دهند، به دلیل هماهنگی سیاست خارجی ترکیه با انتظارات غرب این کشور از نظر تعیین جایگاه، در زیر چتر امنیتی غرب قرار گرفت. تا پایان جنگ سرد، استفاده از موقعیت جغرافیای سیاسی ترکیه بیش تر تابع مسائل امنیتی بود.

اصول سنتی سیاست خارجی ترکیه تحت تأثیر عوامل واقعی به هم پیوسته و ساختاری تعیین شدند. (Aydin, 1999:155-156) این عوامل از طریق پیشینه‌ی واقعی منابع تاریخی شکل گرفت. یکی از محققان، منابع اصلی سیاست خارجی سنتی را به‌عنوان تجربه‌ی تاریخی دولت عثمانی، انقلاب کمالی و ایجاد جمهوری، جهت‌گیری کلاسیک غربی و درک بی‌اعتمادی از قدرت‌های خارجی و منافع خارجی بر شمرد. (Alexander, 2006: 945) سیاست خارجی ترکیه از ۱۹۹۰ به بعد، روند دیگری در پیش گرفت و منجر به تغییر در شرایط داخلی و خارجی آن کشور شد. با پایان جنگ سرد، مهم‌ترین عامل اصلی تغییر در سیاست خارجی ترکیه پایان دادن به سیستم دو قطبی بود. در این دهه، ترکیه و آمریکا در طیف وسیعی از مسائل از جمله آزادی‌سازی کویت، حمایت از ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا، جایگاه ترکیه به‌عنوان مسیری جهت انتقال انرژی از دریای خزر و آسیا، سوءظن در خصوص سیاست‌های منطقه‌ای ایران و سوریه، و همکاری با دولت اسرائیل به توافق رسیدند و مسائل مربوط به زمینه‌های مشترک همکاری راهبردی بین دو طرف شکل گرفت. (Bill, 2004: 495)

سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ سرد دارای ابهامات سیستمیک بود، بیش تر ابهامات با حوادث ۱۱ سپتامبر عمیق تر و ترکیه مجبور به تجدیدنظر در آن شد. در حوزه‌ی داخلی، مزایای استفاده از دولت تک‌حزبی از طریق حمایت‌های عمومی به‌ویژه در مقایسه با دولت‌های

ائتلافی ضعیف دهه‌ی ۱۹۹۰، دستاوردهای به‌دست آمده از طریق اتحادیه‌ی اروپا^۱، فرآیند ادغام اصلاحات و کاهش نفوذ نظامی در دولت، آماده بودن تمام شرایط مناسب برای طراحی دیدگاهی تازه نسبت به سیاست خارجی بود.

دکترین عمق راهبردی^۲ احمد داووداوغلو عنصر اصلی دیدگاه جدید سیاست خارجی ترکیه می‌باشد. مفهوم فعالیت در ساخت سیاست خارجی ترکیه ابتدا در ۱۹۹۰ ظاهر شد، 2000: 169 Sabri، 170) بحث‌های در مورد تغییر از «وضع موجود» به «رویزیونیسم» توسط اوزال در اوایل ۱۹۹۰ صورت گرفته بود. (sedat، 2009) اسماعیل جم، وزیر خارجه در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۲ نیز مسیر و اجرای یک سیاست خارجی جدید را در ۱۹۹۰ اعلام کرد. (benli، 2009: 184) ادريس بال نیز در بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ سیاست خارجی را به‌عنوان دوره‌ای که از طریق آن «روش‌های قدیمی مورد بررسی قرار گرفتند و جستجو برای یافتن افق‌های جدید شروع شد»، تعریف نمود، (www.stratejikboyut.com) ولی تلاش برای تغییر در روند سیاست خارجی ترکیه در دوره‌ی حزب عدالت و توسعه^۳ صورت گرفت.

اساس عمق راهبردی بر دارایی‌های تاریخی ترکیه از دولت عثمانی، عمدتاً بر اساس بررسی جغرافیای سیاسی و تاریخی داوود اوغلو از موقعیت‌های بین‌المللی ترکیه و مطابق با چارچوب بین‌المللی است. (davutoglu، 2010: 43) موقعیت سیاست خارجی ترکیه از سیاستی غرب‌گرا و تک بعدی به سیاستی چند جانبه‌گرا و چند بعدی تبدیل شد. نظریه‌ی عمق راهبردی جایگزین چشم‌انداز سیاست خارجی از طریق مشارکت فعال ترکیه در سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، با استفاده از دیپلماسی و ابزار قدرت نرم را قابل اجرا می‌دانند که در تقابل با سیاست خارجی دهه‌های قبلی ترکیه که اصل حفظ وضع موجود را در نظر می‌گرفت، تغییرات چشم‌گیری داشت. اهداف سیاست خارجی جدید تحت سه عنوان فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دسته‌بندی شده‌اند. از دیدگاه فرهنگی، کشور از طریق تحرکات فرهنگی تاریخی با

1 - Europe Union

2 - Doctrine of strategic depth

3 - Justice and Development Party(AK)

فرهنگ جهانی امروزی یکپارچه شده، در دیدگاه اقتصادی، رسیدن به قدرت اقتصادی برتر در میان قدرت‌های جهان اقتصادی، در دیدگاه راهبردی سیاسی، با ارزش‌های اروپا ادغام و ایجاد ثبات سیاسی انکارناپذیر است. (www.mfa.gov.tr)

تحکیم ثبات سیاسی و اقتصادی ترکیه، اصلاحات دموکراتیک از طریق ائتلاف با اتحادیه‌ی اروپا، مسأله‌ی کردها و هماهنگ کردن دولت سکولار با هویت اسلامی، همه به منزله‌ی چالش‌های داخلی چشم‌انداز سیاست خارجی ترکیه به‌شمار می‌روند و موضوعاتی هستند که با سرمایه‌های منافع ملی ترکیه در ارتباطند.

اهداف سیاسی - امنیتی ترکیه در حکومت اقلیم کردستان

با آماده شدن نیروهای ائتلاف در خصوص حمله به عراق، اوزال رئیس‌جمهور وقت به ارتش آن کشور وعده داد که برنامه‌ریزی گسترده‌ای به منظور حمله به موصل و کرکوک و الحاق مجدد آن به ترکیه داشته باشد و همکاری با نیروهای ائتلاف این امید را برای ما به‌وجود می‌آورد که موانع از پیش روی ما برداشته شود. این حملات از پایگاه‌های ترکیه صورت گرفت و با شکست عراق، ضربات شدید امنیتی، سیاسی، نظامی و حتی جغرافیایی بر آن وارد آمد و گام‌های تشکیل یک حکومت کردی در عراق بنا نهاده شد.

موضوع کردهای ترکیه همواره یکی از دغدغه‌های امنیتی ترکیه بوده، چون کردهای این کشور حدود ۲۰ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در اتفاقات داخلی ترکیه ایفای نقش می‌کنند. از مهم‌ترین درخواست کردهای ترکیه در درجه‌ی اول، خودمختاری کردهای ساکن در شرق و جنوب شرقی ترکیه، در درجه‌ی دوم به رسمیت شناختن زبان کردی به‌عنوان زبان دوم ترکیه بوده است، ولی دولت ترکیه به هیچ یک از این درخواست‌ها تن نداده و حمایت از سرکوب کردها به هر نحوی، هویت و ایدئولوژی بنیان‌گذاران ترکیه بوده است. دخالت و یا سرکوب کردها توسط ترکیه فقط به کردهای داخل آن کشور ختم نشده، بلکه این کشور همواره در خصوص کردهای عراق نیز دخالت‌هایی نموده است، ترکیه دخالت در کردستان عراق را

حق خود می‌داند و آن را جزو مناطقی به حساب می‌آورد که قبلاً بخشی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند.

پس از جنگ دوم خلیج فارس، اعلام نظم نوین جهانی و تحولات داخلی عراق عناصر اصلی فرهنگ راهبردی ترکیه را تقویت کرد. ترکیه از تغییر در حفظ وضع موجود بسیار ناراحت بود. دیدگاه آنکارا در مورد عراق به شمال عراق و مسأله‌ی کرد در عراق محدود گردید و دخالت‌های مستقیم آن در منطقه افزایش یافت. به عبارت دیگر، ترکیه با دخالت در شمال عراق نشان داد که به صورت بازوی نظامی نظم نوین آمریکا در منطقه‌ی خاورمیانه در آمده است. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۵۰)

ترکیه از سال ۱۹۹۱ با سه نگرانی عمده روبرو بوده است: اول این‌که تشکیل حکومت خودگردان در شمال عراق بر کردهای ترکیه تأثیرگذار خواهد بود. (Olson, 1996:3) دوم این‌که شرایط خاص ترکیه برای عضویت در اتحادیه‌ی اروپا که این کشور را ملزم می‌کرد تا وضعیت کردها و دموکراسی را بهبود بخشد. (Natail, 2005:188) سوم این‌که نیروهای پ.ک.ک^۱ با استفاده از خلأ قدرت به وجود آمده در شمال عراق، وجود خود را در آن منطقه به اثبات رساندند. دولت ترکیه در مقابل این تحولات از همان ابتدا سیاستی را به منظور نفوذ در احزاب کردهای شمال عراق در جهت محدود نمودن مبارزان پ.ک.ک در پیش گرفت و ضمن اعطای گذرنامه‌های دیپلماتیک به رهبران دو حزب، دروازه‌ی ورود کردهای عراق به خارج واقع شد.

ترکیه در طول دهه‌ی ۱۹۹۰، خود را در موقعیتی احساس کرد که در مقابل حمایت آمریکا از کردهای عراق بی‌اختیار می‌دید و در عین حال، این مسأله را تهدیدی برای امنیت ملی خود به حساب آورد و شمال عراق را به‌عنوان یک مسأله‌ی مربوط به امنیت ملی خود در نظر گرفت، به همین علت در ماه اوت ۱۹۹۱، نیروهای زمینی و هوایی ترکیه به بهانه‌ی مبارزه با نیروهای پ.ک.ک به شمال عراق تجاوز کردند. این حملات با شک و تردید از سوی کشورهای دیگر مواجه شد، چون آنها اظهار می‌داشتند که استفاده‌ی

1 - Kurdistan Workers' Party (PKK)

ترکیه از نیروهای نظامی با این حجم زیاد، به هیچ وجه تناسبی با سرکوب چند چریک ندارد و ترکیه در پی مقاصد دیگری است که آنها را در پوشش سرکوب کردها دنبال می‌کند. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۵۱)

بهترین موقعیت برای اجرایی شدن حملات و اهداف ترکیه در شمال عراق به بهانه‌ی مبارزه با نیروهای پ. ک. ک زمانی کلید خورد که بین دو حزب مطرح شمال عراق جنگ داخلی صورت گرفت. همزمان با آن ترکیه در جهت اجرایی نمودن اهداف خود اقدام نمود و با شعله‌ور نمودن این جنگ داخلی، آن را به یک جنگ واقعی تبدیل نمود. به طور خلاصه می‌توان گفت در طول سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳، مهم‌ترین مسأله‌ی تنش‌آمیز بین ترکیه و حکومت اقلیم، حضور اعضای پ. ک. ک در این منطقه بود. تحولات این بازه زمانی، وضعیت نخبگان سیاسی و نظامی ترکیه را آشفته کرد، زیرا آنها می‌ترسیدند که این مجموعه‌ی پویا و در حال حرکت منجر به تأسیس یک دولت کردی گردد و اثرات و تصمیمات و اهداف آنها در کردهای ترکیه نفوذ کند. چون تجربه‌ی خودمختاری کردهای عراق ممکن بود کردهای ترکیه را نیز به سوی خود جلب کند و یا دولت محلی کردستان افراد را به شرکت در شورش نظامی تشویق کند. (Park, 2003)

دولت ترکیه در سال ۲۰۰۳، به دلیل مخالفت پارلمان اجازه‌ی استفاده از پایگاه‌های آن کشور را به آمریکا در حمله به عراق را نداد، مخالفت ترکیه با حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق و تغییر آن رژیم باعث شد که معادله‌ی شمال عراق و شورشیان پ. ک. ک برای ترکیه پیچیده‌تر از قبل گردد، چون با سقوط صدام، کردها با حمایت‌های شدید ایالات متحده و استفاده از تجربیات چند ساله‌ی حکومت شمال به نحو مطلوبی در صحنه‌ی سیاسی ظاهر و نقش فعالی به خود گرفتند. با اشغال عراق، شورشیان پ. ک. ک در منطقه‌ی کردستان به اهداف راهبردی خود دست یافتند و امنیت مناطق مرزی ترکیه را به هم زدند. به احتمال زیاد گسترش نفوذ مخالفان ترکیه به دلیل همراهی نکردن ترکیه با آمریکا در جریان حمله به عراق، این فرصت را برای آنها فراهم آورد.

در دهه‌ی دوم نیز هم‌چون دهه‌ی قبل همواره یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت روابط بین ترکیه و حکومت اقلیم کردستان عراق مسأله‌ی مربوط به کردستان ترکیه بود. ترکیه می‌خواست با اعمال فشار بر حکومت اقلیم، نیروهای پ. ک. ک را خلع سلاح و آنها را از کردستان عراق اخراج کنند، ولی به دلیل حساسیت مردم کردستان، حکومت اقلیم تمایلی به استفاده از نیروی نظامی نداشت و احتمالاً این کار را هم انجام نخواهد داد که کردهای عراق سعی کرده‌اند تا به حال تنها به‌عنوان یک میانجی در این زمینه دخیل باشند.

دولت ترکیه در سال ۲۰۰۳ شاهد تحولاتی بود که همسایگان کرد آن کشور به نحوی متفاوت از سال‌های قبل در صحنه‌ی سیاسی عراق سهیم شدند، ترکیه از همان ابتدا به شدت نگران آینده‌ی عراق، تجزیه‌ی آن و ایجاد یک حکومت مستقل کردی بود. با مخالفت‌های ترکیه، روابط حکومت اقلیم و ترکیه دچار تنش و در بعضی از مواقع حکومت اقلیم به دخالت نظامی تهدید شد. تلاش‌های دیپلماتیک ترکیه از آوریل سال ۲۰۰۳ در تقویت دولت عراق، قرار گرفتن کرکوک و منطقه‌ی کردستان در درون ساختار دولت، تدوین قانون اساسی و برنامه‌های دیگر آن کشور متمرکز شد، ولی تلاش‌های ترکیه نتیجه‌ای در بر نداشت و دو سال بعد از جنگ، اولین ناکامی و شکستی را که برای ترکیه در بر داشت، عبور از خط قرمزی بود که ترکیه در زمینه‌ی فدرالیسم برای کردستان عراق ترسیم نموده بود. همزمان با تبدیل شدن کردستان به منطقه‌ی فدرال، نیروهای پ. ک. ک نیز به علت ناتوانی ترکیه در تعقیب آنها، توانایی بیش‌تری در اجرای عملیات نظامی به‌دست آوردند و حملات آنها در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ شدت گرفت.

با شدت گرفتن حملات پ. ک. ک در تابستان ۲۰۰۷، ترکیه کردستان عراق را تهدید کرد. حکومت اقلیم آن را به‌عنوان یک مانور سیاسی ارتش ترکیه در مقابل میانه‌روی اردوغان و به‌عنوان یک پاسخ به مطالبات کردها در خصوص کرکوک اعلام کرد. در همین راستا، حکومت اقلیم نیز به‌طور غیرمستقیم آنها را تهدید به تشویق قیام کردهای جنوب شرقی ترکیه در پاسخ به حمله‌ی احتمالی نظامی ترکیه به کردستان عراق کرد. تنش‌ها در ماه اکتبر سال ۲۰۰۷، زمانی که

ترکیه ده‌ها هزار نفر از سربازان خود را به مرز فرستاد، به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافت و در نهایت مقامات کردستان عراق و ایالات متحده خواستار توقف اقدامات نظامی ترکیه در مقابل پ. ک. ک شدند. بارزانی ضمن هشدار این نکته که حمله به معنای جنگ است، خواستار یک راه‌حل دیپلماتیک و مذاکرات مستقیم شد، اما آنکارا بر روی ارتباط با بغداد پافشاری می‌کرد. ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای ناتو^۱، مجری سیاست‌های غرب به‌ویژه آمریکا در منطقه می‌باشد و سیاست‌هایش به‌گونه‌ای تنظیم شده است که با منافع غرب در تضاد نباشد، ولی رفتارهای دولت آمریکا در عراق و پشتیبانی آن از کردهای عراق و هم‌چنین فراهم شدن زمینه‌ی فعالیت‌های گسترده پ. ک. ک، فضایی از بی‌اعتمادی و نگرانی در میان دولت‌مردان و شهروندان ترکیه نسبت به آمریکا به‌وجود آورده بود. جرج بوش به دلیل وخامت وضعیت عراق و به‌دست آوردن اعتماد مجدد ترک‌ها در ۲۰۰۷/۱۱/۰۵ قراردادی با اردوغان تحت عنوان «همکاری اطلاعاتی علیه تروریسم پ. ک. ک» امضا نمود. متعاقب آن واشنگتن موافقت خود را برای ارائه‌ی اطلاعاتی در مورد جنبش پ. ک. ک در مرز اعلام و احزاب دمکرات کردستان حمایت خود را از پ. ک. ک محدود نمودند. زمانی که ترکیه مراکز موقت پ. ک. ک را در سراسر مرز در دسامبر ۲۰۰۷ بمباران کرد، پاسخ واشنگتن، اربیل و عراق به این نقض حاکمیت، سکوت بود.

پس از عملیات ترکیه به شمال عراق و سفر طالبانی به‌عنوان رئیس‌جمهور عراق در فوریه‌ی ۲۰۰۸ به ترکیه، دیدگاه ترکیه نسبت به حکومت اقلیم هم‌چنان منفی بود و طرفین همدیگر را متهم به مداخله می‌نمودند؛ برای مثال، داوود اوغلو در یکی از مصاحبه‌ها گفت: پیش‌بینی احزاب کردستان غلط بود. آنها می‌خواستند ترکیه را در حاشیه قرار دهند، اما خودشان به حاشیه رانده شدند. (Davutoglu, 2008) ترکیه از اوایل سال ۲۰۰۹ با تغییر در سیاست خود نسبت به حکومت اقلیم زمینه‌ساز شروع روابط، ملاقات مقامات در سطح عالی و افتتاح کنسولگری ترکیه در اربیل شد. در جریان افتتاح کنسولگری ترکیه در اربیل اوغلو اظهار داشت: ما می‌خواهیم همکاری بین ترکیه و حکومت اقلیم توسعه یابد، چون ما دروازه‌ی شمال عراق به اروپا و اربیل دروازه‌ی ما به بصره

1 - NATO

است. (Ioannis, 2010) سفرهایی که مقامات ترکیه به کردستان عراق داشتند، نشان داد که کردستان عراق برای ترکیه در جهت اجرای بخشی از سیاست خارجی داوود اوغلو در زمینه‌ی صفر کردن مشکلات با همسایگان^۱ بسیار مهم است.

مسئله‌ی طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ روابط خوبی بین ترکیه و حکومت اقلیم برقرار شد و روند افزایشی به خود گرفت که کاملاً متفاوت با گذشته بود. کردستان عراق به‌عنوان همسایه‌ی ترکیه از اولویت‌های اصلی برنامه‌ریزی شده در سیاست فعلی ترکیه قرار گرفت. رئیس حکومت اقلیم در برقراری روابط با ترکیه اصل را بر تأمین منافع قرار داده و از دیدگاه مصالح به رابطه با ترکیه می‌نگرد.

اصول حاکم بر سیاست ترکیه

به‌طور کلی اهدافی را که ترکیه در چند سال گذشته در منطقه‌ی کردستان به‌دنبال آنها بوده است، عبارتند از:

حمایت از ترکمن‌ها

جمعیت ترکمن‌ها حدود ۲ درصد از کل جمعیت عراق حدود ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار برآورد شده است. ترکیه در دهه‌ی ۱۹۹۰، از جمعیت ترکمن^۲ به‌عنوان یکی از اهرم‌های اصلی خود در برابر جاه‌طلبی‌های کردستان استفاده می‌کرد. بنا به اظهارات سران ترکیه، ترکمن‌ها سربازان، بازرگانان و کارمندان دولت از بازماندگان امپراتوری عثمانی هستند، (Oguzlu, 2001) طبق سرشماری ۱۹۵۷ در زمان تشکیل شهر کرکوک^۳ جمعیت ترکمن‌ها بیش از کردها و اعراب بود. (Crisis Group, 2006: 2) این ادعای ترک‌ها با الهام از منشور آتاتورک (که می‌گوید: هر جا نژاد ترک وجود دارد، باید جزو سرزمین ترکیه و در راستای تحقق امپراتوری عثمانی باشد) زمانی مطرح شد که جنگ آمریکا و متحدان آن در جنگ

1 - Zero problems with neighbors

2 - Turkoman

3 - Kirkuk

دوم خلیج فارس به پایان رسید و منطقه‌ی پرواز ممنوع در شمال، راه را برای تأسیس منطقه‌ی خودمختار کردستان هموار نمود. ترکیه عزم خود را برای استفاده از ترکمن‌ها به عنوان یک اهرم برای حفظ منافع خود در شمال عراق به نمایش گذاشت، روابط خود را با آنها عمیق‌تر نمود و ادعا کرد از گذشته تا به حال از حقوق «در معرض خطر» قوم خود حمایت نموده است. (Oguzlu, 2004: 2)

ترکیه با برپا نمودن تشکیلاتی چون جبهه‌ی ترکمن و طرح ادعاهایی چون جمعیت ۲ تا ۳ میلیونی این ترک‌ها و مسئولیت آن کشور در حمایت از ترکمن‌ها، دلیل دیگری برای حضور نظامی آنها در عراق شد. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۵۳) آنکارا سعی نموده است تا جبهه‌ی ترکمن را در زیر یک چتر واحد قرار دهد، چون این جبهه ابزار اصلی ترکیه برای بالا بردن مسأله‌ی ترکمن و به‌عنوان نقطه‌ی ورودی اصلی آنها در سیاست‌های محلی تبدیل شد. ترک‌ها در دهه‌ی ۹۰ میزان حمایت خود را از جبهه به موفقیت آنها در مبارزه با پ.ک.ک وابسته کرده بودند، تا زمانی که پ.ک.ک قوی بود، آنکارا به جای توجه کردن به این گروه، با احزاب دموکرات و اتحادیه‌ی میهنی برای کمک در مقهور ساختن شورشیان رابطه برقرار ساخته بود. هنگامی که حملات پ.ک.ک پس از دستگیری رهبر آن در سال ۱۹۹۹ کاهش یافت، دست ترکیه را در منطقه باز گذاشت؛ و از روابط آنها با ترکمن‌ها کاسته شد.

با سقوط حکومت صدام، آنکارا با پیش‌بینی تجزیه‌ی عراق و منضم نمودن کرکوک به کردستان، در خصوص ترکمن‌ها ادعاهای خاصی را مطرح و اظهار کرد به دلیل جمعیت بالای این قوم در کرکوک، این شهر نباید به کردستان الحاق گردد و خواهان حفظ حقوق ترکمن‌ها در این منطقه شد. ترکمن‌ها با برگزاری انتخابات سال ۲۰۰۵، به لحاظ جمعیتی رتبه‌ی اول را کسب نکردند و آرای بسیار کم‌تری از آنچه که ترک‌ها تصور می‌کردند، به دست آوردند. کسب این آرا شکست بزرگی در رد ادعاهای ترکیه محسوب شد. در نهایت، ترکمن‌ها تبدیل به بخش کوچک در راهبرد ترکیه نسبت به کرکوک و منطقه‌ی فدرال کردستان شدند.

استفاده از کردها بر علیه دولت مرکزی

روابط ترکیه با دولت عراق در طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ به دلیل یک سری تنش‌ها (از جمله دخالت در وضعیت عراق و یا کمک به فروش نفت اقلیم کردستان) از روند عادی خود خارج شده است، نوری‌المالکی نخست وزیر عراق به صراحت در اظهاراتی دولت ترکیه را به مداخله در عراق متهم نمود. به همین علت ترک‌ها به منظور از دست ندادن موقعیت‌ها در شمال عراق و بازسازی نقش راهبردی خود در عراق نیازمند همکاری با گروه‌ها و احزابی هستند که بتوانند نوعی توازن را در مقابل دولت مرکزی به وجود بیاورند. به همین علت از یک سو با توجه به سهم بودن کردها در عرصه‌ی سیاسی عراق و در اختیار داشتن پست‌های کلیدی و از سوی دیگر سابقه‌ی روابط با کردها در طی دو دهه‌ی گذشته، به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین عامل برای نفوذ، بازدارندگی و ایجاد توازن در مقابل حکومت مرکزی عراق، کردها می‌باشند.

گرچه ترکیه در انتخابات سال ۲۰۱۰ حمایت‌های خود را از حزب سنی به رهبری علاوی به عمل آورد، ولی در حال حاضر به این نتیجه رسیده است که کردها شانس بیش‌تری برای موفقیت دارند، چون دارای قدرت نفوذ بالایی هستند و با خروج از یک بازیگر کوچک منطقه‌ای تبدیل به یک بازیگر قوی در عرصه‌ی ژئوپلیتیک شده‌اند. در کل می‌توان گفت که هدف ترکیه آن است که بتواند بر روند و کارکردهای سیاسی در عراق تأثیرگذار باشد و به‌عنوان بازیگری پر نفوذ در سطح عراق، توانایی مداخله در ترسیم خطوط و برنامه‌ی سیاسی عراق را داشته باشد.

مخالفت با الحاق کرکوک و موصل به اقلیم کردستان

کرکوک دارای جمعیتی مختلط از کردها، ترکمن‌ها و اعراب می‌باشد و حاوی ۱۳ درصد از ذخایر ثابت‌شده‌ی عراق است. ایده‌ی رهبران ترکیه با تبعیت از بازگشت دوباره به شرایط جغرافیایی امپراتوری عثمانی که در حال حاضر به نوع‌ثمانی‌گرایی مشهور است، همواره به دنبال دستیابی به بخشی از خاک عراق از جمله کرکوک و الحاق آن به ترکیه است. نگرانی

اصلی ترکیه در طی دو دهه‌ی گذشته الحاق شهر نفت‌خیز کرکوک به کردستان عراق بوده و بنا به عقیده‌ی سیاستمداران ترک، الحاق کرکوک به حکومت اقلیم به دلیل وجود منابع عظیم انرژی، باعث تقویت موقعیت کردها شده و در آینده‌ای نزدیک آنها را به سمت استقلال و تشکیل یک دولت مستقل سوق خواهد داد.

به لحاظ تاریخی افراد ساکن در کرکوک عمدتاً کرد بوده‌اند، اما دولت عراق سیاست پاک‌سازی قومی در کرکوک را برای اولین بار علیه کردها اجرا نمود. (wright: 2002) از طرفی دیگر، ترک‌ها نیز معتقدند در دهه‌ی ۹۰ کردها با اجرای ترفندهای خاصی، آرایش جمعیتی کرکوک را دگرگون و موقعیت کردها را نسبت به اعراب و ترکمن‌ها تقویت نموده‌اند، مقامات ترکیه، کرکوک را به‌عنوان خط قرمز آنکارا برای کردستان عراق برشمرده‌اند و مایل به جلوگیری از الحاق آن به کردستان به منظور مقابله با حوادث احتمالی در این زمینه هستند. (Crisis, 2008) اما در نقطه‌ی مقابل آن از دید احزاب کرد، کرکوک به‌عنوان بخشی از میراث ماندگار آنهاست و از کرکوک به‌عنوان قدس کردستان^۱ یاد می‌کنند. (Barzani, 2004)

پافشاری کردها با شکست صدام در خصوص کرکوک شدت گرفت و آنها موفق شدند برابر ماده‌ی ۱۴۰ آن را در متن قانون اساسی عراق بگنجانند و ضربه‌ی سهمگینی را به ادعای ترک‌ها در رابطه با کرکوک وارد سازند. مقامات ترک به خوبی درک کرده‌اند که اگر ماده‌ی ۱۴۰ به‌طور کامل و منصفانه اجرا شود، این روند به احتمال زیاد منجر به الحاق کرکوک به منطقه‌ی کردستان خواهد شد و از این‌رو، ضمن افزایش درگیری بین اقوام مختلف این استان، (Crisis Group, 2008) بر امنیت ترکیه تأثیر خواهد گذاشت. آنکارا در مناسبات بین‌المللی چنان وانمود کرده است که اعتراض ترکیه در ارتباط با کرکوک کم‌تر مربوط به کردستان بوده، بلکه ادعای آنها به دلیل نگرانی برای عراقی‌هاست. به همین علت از عدم اجرای ماده‌ی ۱۴۰ قانون اساسی (از جمله رفراندوم) در دسامبر سال ۲۰۰۷ استقبال کرد. البته اصرار کردها در خصوص

1 - Jerusalem of Kurdistan

اجرای قانون اساسی به‌عنوان تنها مرجع حل و فصل وضعیت کرکوک کاهش نیافته و ترسیم خط قرمز ترکیه در این رابطه تأثیری در خواسته‌های آنها نداشته است.

نگرانی نسبت به ساختار فدرالیسم عراق

با سرنگونی رژیم صدام، کردها ضمن ظهور در عرصه‌ی سیاسی عراق، ایده‌ی فدرالی شدن عراق را که نشأت گرفته از سیاست و مدل طراحی شده آمریکا بود، مطرح کردند. ترکیه ضمن واکنش شدید، شکل‌گیری ساختار سیاسی عراق را بر اساس فدرالیسم، مخالف منافع ترکمن‌های عراق و هم‌چنین مخالف منافع ملی ترکیه و به‌عنوان اهرمی تأثیرگذار بر امنیت ملی خود بر شمرد. ترکیه در سال ۲۰۰۵ نگرانی‌های خود را در خصوص قانون اساسی عراق بیان نمود، نگرانی ترک‌ها از این جهت بود که در نهایت، شکل افراطی فدرالیسم باعث تجزیه‌ی کشور عراق گردد (Crisis Group, 2007) و به همین دلیل، آنها را به آینده‌ی سخت و خونین چنین سیستمی تهدیدی کردند، (بروین، ۲۰۰۵) چون به باور ترک‌ها فدرالیسم بهانه‌ای برای استقلال کردستان بود، اما ترکیه نتوانست مانع تصویب فدرال کردستان گردد. افتتاح کنسولگری در سال ۲۰۰۹ را می‌توان بدین‌گونه تفسیر نمود که آنکارا با به رسمیت شناختن ساختار فدرال عراق، حکومت اقلیم کردستان را به‌عنوان عنصر تشکیل‌دهنده‌ی این ساختار مورد پذیرش قرار داده است.

آنکارا ادعا می‌کرد که نگرانی ما از این بابت است که سهام گروه‌های عراقی را ضعیف جلوه دهند و چشم‌انداز آتی این کشور در تبدیل شدن به فدرال ممکن است بر اساس فرقه و قومیت، با تشکیل دولت مرکزی ضعیف فاقد مقاومت در برابر نیروهای قوی گریز از مرکز باشد. (Crisis Group, 2008) در جای دیگر، یکی از مقامات آنکارا اعلام کرده که واقعیت این است که کردها فدرال را از طریق قانون اساسی با حمایت آمریکا تضمین کرده‌اند و این به معنای پایان کار نیست، آنها نباید صرفاً به استقلال کردستان تأکید داشته باشند. بسیاری از گروه‌های عراق نگران این هستند که فدرالیسم در حال هموار کردن راه برای فروپاشی عراق باشد. (Crisis, 2008)

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که نگرانی‌های اصلی ترکیه در خصوص فدرالیسم بنا به دو دلیل عمده بود: الف) پارتیشن‌بندی نه استان شیعه در جنوب عراق به احتمال زیاد باعث افزایش نفوذ ایران در این منطقه خواهد شد و نفوذ ایران بر ترکیه پیشی خواهد گرفت، ب) فشار کردها در خصوص منطقه‌ی فدرال و به‌ویژه تلاش آنها برای گنجاندن منطقه‌ی نفت‌خیز کرکوک در حکومت اقلیم کردستان می‌تواند راه را به سوی جدایی رسمی کردها هموار و ممکن است احساسات ناسیونالیستی^۱ کردهای ترکیه را شعله‌ور نماید.

مخالفت با استقلال کامل کردستان

ترکیه همواره مخالف ایجاد یک دولت کردی مستقل در شمال بوده و اتفاقات رخ داده در حدود یک دهه گذشته (از ۱۹۹۱) را از نقطه‌نظر کردها مورد بررسی قرار داده است و در راستای این چارچوب اهداف، سیاست‌ها، و ابزارهای خود را مشخص نموده است. ترکیه به منظور مقابله با این چالش‌ها از چند روش سیاسی، نظامی و دیپلماتیک استفاده کرد، از نظر دیپلماتیک آنکارا برای حفظ و دستیابی به اهداف خود خواستار جلب نظر آمریکا بوده است. آنکارا بارها در خصوص چشم‌انداز استقلال کردستان هشدار داده، ولی با این حال روابط خود را در زمینه‌ی اقتصاد با کردستان عراق بهبود بخشیده است. گرچه به نظر می‌رسد با تغییری که در رویکرد ترکیه نسبت به کردهای عراق و کردهای ترکیه پیش آمده، این کشور هم‌چون سابق با استقلال کردهای عراق مخالف نباشد، چون برگزاری جشن سال ۲۰۱۳ و حضور بارزانی در دیاربکر و هم‌چنین آتش‌بس با پ.ک.ک خود می‌تواند به‌عنوان چراغ سبزی از سوی اردوغان به کردها و کردستان عراق قلمداد شود.

تحکیم نفوذ خود در شمال عراق

ترک‌ها به این واقعیت پی برده‌اند که باید سیاست و رویه‌ی خود را بدون توجه به تاریخ پرتش خود با کردستان عراق تغییر دهند و دیپلماسی را جایگزین سیاست‌های تنش‌زا نمایند. به منظور جلب اعتماد کردها روابط خود را با اقلیم تحکیم بخشیدند، چون توسعه‌ی روابط این

1 - Nationalist

دو به طور یقین در آینده تأثیرات قابل توجهی در کاهش تنش‌های ترکیه و کردهای آن کشور خواهد داشت. ترکیه در صدد است با افزایش قدرت نرم خود نقش مهمی را در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق ایفای سیاست دکترین عمق راهبردی به نمایش بگذارد. نفوذ در کردستان عراق یکی از مواردی است که مورد توجه حزب حاکم است. سفر مقامات ترکیه از جمله اردوغان به‌عنوان رئیس‌جمهور و داوداغلو به‌عنوان وزیر خارجه به کردستان نشان از تغییر جدی نگرش ترکیه به حکومت اقلیم کردستان دارد.

حضور شیعیان در مسند قدرت مرکزی عراق به لحاظ نفوذ زیاد ایران خوشایند ترک‌ها نیست، از این‌رو، ترکیه به‌دنبال مقابله با نفوذ رو به رشد ایران در عراق و به‌عنوان یک گام مثبت در جهت جلوگیری از تسلط ایران بر منطقه‌ی اقلیم است. (Gunter: 1998) به همین علت آنکارا تلاش می‌کند ضمن حمایت از اعراب سنی، در این رابطه نگاهی هم به کردها داشته باشند و تلاش نمایند کردها را با نگاه اشتراک مذهبی به اعراب سنی نزدیک نمایند و آنها را به‌عنوان مانعی در مقابل برنامه‌های دولت مرکزی قرار دهند.

اهداف اقتصادی ترکیه در حکومت اقلیم کردستان

حکومت اقلیم کردستان در دهه‌ی اول از عمر خود، به دلیل نوپا بودن و فقدان هرگونه امکانات و سیستم تولیدی وابستگی شدیدی به دولت ترکیه داشت. بر همین اساس، دولت ترکیه نیز از همان ابتدای تشکیل حکومت اقلیم ایده‌ی الحاق آن را به روش‌های مختلف دنبال کرد. آنچه در زمینه‌ی اقتصادی از همه عینی‌تر بود، با باطل نمودن اسکناس‌های ۲۵ دیناری در ماه می ۱۹۹۲ توسط صدام، این دولت بلافاصله در سال ۱۹۹۳ آمادگی خود را در جهت به جریان انداختن لیر^۱ ترکیه در شمال عراق اعلام نمود.

کردستان عراق دارای موقعیت ژئوپلیتیکی بسیار مناسب در سطح منطقه بوده و به لحاظ هیدروپلیتیک، هارتلند خاورمیانه است. (محمدی، ۱۳۸۶: ۵) علاوه بر آن، این منطقه دارای منابع نفتی مشابه با دولت لیبی و ذخایر گازی مشابه با قزاقستان می‌باشد که ۵۰ درصد از منابع نفتی

موجود در عراق را تشکیل می‌دهد. از اصول اصلی سیاست حزب عدالت و توسعه‌ی ترکیه به صفر رساندن مشکلات با همسایگان و از همه مهم‌تر بالا بردن رشد اقتصادی ترکیه می‌باشد، به دلیل وجود دو اهمیت ذکر شده در کردستان عراق، ترک‌ها از همان ابتدای سال ۲۰۰۳ دو هدف اساسی را در حکومت اقلیم دنبال نمودند. اول این‌که ترکیه فاقد منابع نفت و گاز است و نفت و گاز آن از طریق کشورهای همسایه تأمین می‌شود. دوم این‌که موقعیت راهبردی ترکیه، این کشور را به یک پل طبیعی انرژی، بین حوزه‌های تولیدکننده نفت و خاورمیانه از یک طرف و بازارهای مصرف در اروپا از طرف دیگر تبدیل می‌کند. (افشردی، ۱۳۸۱: ۷۳) از آنجا که این کشور مجرای اصلی نفت شمال عراق و خاورمیانه به اروپا می‌باشد، شمال عراق برای ترکیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

حزب عدالت و توسعه بر این باور است که به دلیل ثبات امنیتی و وابستگی حکومت اقلیم به ترکیه، محل مناسبی برای سرمایه‌گذاری می‌باشد. علاوه بر آن، به این مسأله هم توجه دارد که منطقه‌ی کردستان برای ورود به منطقه‌ی آزاد جهانی به ترکیه به‌عنوان یک کانال نیاز دارد. از طرف دیگر، ترکیه نه تنها به درآمد حاصل از ترانزیت نفت خام کردستان به تأسیسات بندر مدیترانه^۱ در بندر جیهان چشم طمع دوخته، بلکه به دنبال کسب نفت و گاز کردستان برای تأمین نیازهای خود است. کردهای عراق به تاریخ پر دغدغه‌ی خود با ترک‌ها غالب شده‌اند، چرا که آنها پذیرفته‌اند که ترکیه نقش برادر بزرگ را در منطقه بازی می‌کند و آنها به وی شدیداً نیاز دارند، ولی هنوز هم برای غلبه بر هرگونه عوامل نامساعد در انجام تجارت با ترکیه، به دنبال یافتن مشترکات فرهنگی و منافع مشترک هستند، یک نویسنده‌ی مقالات تجاری در رابطه با تجارت ترکیه و کردستان عراق صرفاً به این نکته اشاره می‌کند که خون ممکن است از آب قوی‌تر باشد، اما از نفت قدرت بیش‌تری ندارد. (Crisis Group, 2010: 2)

آنکارا در صدد است در آینده‌ای نزدیک از رتبه‌ی شانزدهم اقتصادی ارتقا یابد و به رشد اقتصادی بالایی برسد، تا زمان رسیدن به رشد اقتصادی برتر با توجه به وعده‌ی رهبران آن (در

1 - Mediterranean Port

سال ۲۰۲۳) که مصادف با صدمین سال تأسیس جمهوری ترکیه می‌باشد، نیاز ترکیه به انرژی دو برابر خواهد شد. منطقه‌ی کردستان از طریق مرادیه با این کشور صفحه‌ی جدیدی را بر روی آن باز نموده و کاملاً مشخص است که می‌تواند نیازهای آن را تأمین کند و امیدوار است از این طریق خلأ سیاسی بین آنها پر شود و زمینه‌ی دسترسی و همکاری‌های آنها در زمینه‌های دیگر نیز فراهم گردد. رهبران حکومت اقلیم از سال ۲۰۱۱ به بعد توانسته‌اند در معادلات نفت و گاز با ترکیه حکومت مرکزی را بیرون از این بازارهای نفتی قرار دهند و زمانی که (در ۷ نوامبر ۲۰۱۳) اعلام شد خط لوله‌ی نفت و گاز کردستان مستقیماً از ترکیه می‌گذرد، با وجود مخالفت‌های شدید حکومت مرکزی عراق در رابطه با این طرح، روابط بین ترکیه و کردستان عراق گسترده‌تر شد. (www.washingtonpost.com)

برابر آمارهای رسمی در سال ۲۰۰۹، ۱۲۰۰ شرکت در کردستان عراق متعلق به ترکیه بودند که از این تعداد شرکت، ۳۰۰ شرکت با اشتغال ۲۰ تا ۲۵ هزار کارگر ترکیه‌ای در زمینه‌ی ساخت و ساز مشغول به فعالیت بودند. (Philips, 2009: 13) در پایان سال ۲۰۱۰ در مجموع شصت درصد از شرکت‌های ثبت شده با ارزش دارایی بیش از ۶۲۰ میلیون دلار مربوط به ترکیه بودند. (Hürriyet Daily News: 2010) بر اساس اظهارات سخنگوی وزارت دارایی اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۳ تعداد شرکت‌های فعال ترکیه به ۱۳۰۰ رسیده است. (www.ghatreh.com)

با سفر اردوغان^۱ به عنوان اولین نخست‌وزیر ترکیه به حکومت اقلیم توسعه‌ی روابط اقتصادی حکومت اقلیم و ترکیه به اوج خودش رسید و این موضوع برای ترکیه از اهمیت حیاتی برخوردار است. با توجه به برخی از آمارها ۸۰ درصد مواد غذایی و پوشاک موجود در کردستان از ترکیه وارد می‌شود، حجم تجارت بین ترکیه و عراق در طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ از ۹۴۰ میلیون دلار به ۶ (Today's Zamaan: 2010) تا ۹ میلیارد دلار (2010)، (Khidhir Hamad) رسید. دولت ترکیه امیدوار است این میزان به بیش از ۲۰ میلیارد دلار تا

1 - Erdogan

سال ۲۰۱۵ برسد. (Iraq Business News: 2010) البته ترک‌ها تلاش می‌کنند که در مقابل دریافت نفت، تولیدات خود را به شمال عراق صادر کنند، یعنی با ایجاد وابستگی متقابل^۱ تعادلی بین واردات و صادرات خود ایجاد نمایند.

با توجه به مطالب ذکر شده به طور کلی سیاست جدید ترکیه در شمال عراق را می‌توان تابعی از علایق سیاسی و اقتصادی ترکیه به‌ویژه در حوزه‌ی انرژی بیان نمود و اهداف ترکیه را در این زمینه به صورت زیر بیان کرد: هدف اولیه که مهم‌ترین هدف ترکیه می‌باشد، پیدا کردن راه‌حلی برای حل مسأله‌ی کردستان ترکیه می‌باشد، این هدف ترکیه دارای دو جنبه است: جنبه‌ی اول آن که ترکیه می‌خواهد با استفاده از روابط اقتصادی خود با اقلیم، آنها را وادار به ممانعت از حملات پ.ک.ک به ترکیه و در صورت عدم موفقیت این راهبرد کردها را وادار به مبارزه با آنها نماید. جنبه‌ی دوم، حزب عدالت و توسعه به دنبال ایجاد ثبات و رفاه اقتصادی در جنوب شرقی ترکیه از طریق تجارت با کردهای عراق است. رهبران ترکیه معتقدند که اگر با استفاده از تعاملات اقتصادی با کردستان عراق احساسات ناسیونالیستی کردهای ترکیه رفع و برطرف گردد، در آینده می‌توان از آنها به‌عنوان یک اهرم برای اعمال فشار بر حکومت اقلیم نیز استفاده کرد.

هدف دوم، بنا به اهداف اقتصادی حزب عدالت و توسعه، تبدیل شدن ترکیه به یک نقطه‌ی ترانزیت انرژی در منطقه و تنوع بخشیدن به واردات نفت و گاز است. کارشناسان ذخایر نفتی حکومت اقلیم کردستان را در حدود ۴۵ میلیارد بشکه برآورد می‌کنند. (Evin, 2010: 17) از طرف دیگر، کارشناسان اتحادیه‌ی اروپا تخمین می‌زنند که کردستان عراق دارای رقمی بین ۵ تا ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در سال باشد، (Olson, 2006: 33) ترکیه از مدت‌ها قبل، اهداف خود را بر یک مرکز عمده‌ی انرژی، بهره‌گیری از منابع غنی انرژی که در حدود ۷۰ درصد از ذخایر هیدروکربنی آن به اثبات رسیده، متمرکز نگه داشته است. ترکیه از طریق پروژه‌ی خط لوله‌ی نابوکو^۲ که نفت و گاز را از دریای خزر و عراق به بازارهایی اروپایی انتقال می‌دهد، تلاش

1 - Interdependence

2 - Nabucco

می‌کند تا به یک مرکز انرژی تبدیل شود. ترکیه به‌عنوان یک کشور محوری فاقد انرژی در منطقه‌ای که تمام همسایگان آن دارای تولیدات انرژی هستند، امیدوار است با استفاده از این پروژه بتواند ارزش بین‌المللی خود را افزایش دهد. علاوه بر آن، ترکیه یک سوم از نفت و دو سوم گاز (Khajavi, 2010) وارداتی خود را از طریق روسیه تأمین می‌کند. گرچه روابط آنکارا و مسکو در حال حاضر مناسب است، اما ترکیه اعتماد چندانی به آینده‌ی واردات انرژی از روسیه ندارد. تنوع واردات انرژی از اهداف اصلی حزب عدالت و توسعه می‌باشد و ترکیه مشتاقانه به دنبال یافتن فرصت‌هایی برای نفوذ در نفت و گاز کردستان عراق می‌باشد.

هدف نهایی ترکیه در زمینه‌ی تعاملات اقتصادی با کردستان عراق، نفوذ بالا در میان کردهای عراق است که در برابر آینده‌ی غیرقابل پیش‌بینی عراق حرفی برای گفتن داشته باشند و در صورتی که وضعیت عراق ناآرام شود، از کردها به‌عنوان یک مانع استفاده نمایند. در واقع، همکاری اقتصادی ترکیه و حکومت اقلیم ابزاری برای اعمال فشار و نفوذ بر دولت مرکزی عراق می‌باشد، در آینده می‌توان از آنها به‌عنوان یک اهرم برای اعمال فشار بر حکومت اقلیم نیز استفاده کرد. مهم‌تر از همه نرزش‌های است که ترکیه در اواخر سال ۲۰۱۲ نسبت به حکومت اقلیم کردستان داشته و چنان به نظر می‌رسد که بر خلاف سال‌های گذشته ترکیه هیچ‌گونه اعتراضی نسبت به استقلال کردستان عراق نداشته باشد، چون طرح برنامه‌ی دولت کردی و تلاش در جهت صلح و آشتی با کردهای ترکیه توسط دولت اردوغان نشان از نگرش کلی آن کشور دارد و آنچه برای این کشور در حال حاضر از همه چیز مهم‌تر است، رسیدن به رشد اقتصادی بالا می‌باشد.

کارشناسان معتقدند ترکیه به جای نظریه‌ی یکپارچه‌سازی اقتصادی، به‌دنبال منزوی کردن اقتصاد شمال عراق به صورتی است که عملاً توانایی انجام هیچ عملی در خارج از ترکیه را نداشته باشد. تا زمانی که مرز بین دو کشور اهمیت چندانی نداشته باشد، کردستان عراق تبدیل به یک قلمرو اقتصادی ترکیه شده و مانع از شعله‌ور شدن شعله‌های آتش ناسیونالیسم کردی

بدون عواقب جدی اقتصادی خواهد بود. ترکیه در کردستان عراق به دنبال محدود کردن سرمایه‌گذاری کشورهای دیگر و حفظ نفوذ غیرقابل تغییر خود می‌باشد.

پیامدهای سیاست ترکیه در حکومت اقلیم کردستان بر منافع ایران

کردهای عراق به دلیل پیوندهای زیادی از جمله زبان، دین، فرهنگ و تاریخ مشترک، در طول سالیان متمادی با ایران رابطه داشته‌اند. با به قدرت رسیدن قاسم در عراق و بازگشت ملامصطفی بارزانی از شوروی به عراق، روابط کردهای عراقی با ایران وارد مرحله‌ی تازه‌ای شد و تا پایان عمر حکومت پهلوی استمرار یافت، ولی آنچه که کردها به عنوان خیانت بزرگ شاه ایران از خود یاد می‌کنند، قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ بود، درست در زمانی که حق خود مختاری از ۵ سال قبل به آنها داده شده بود و تنها بر سر کرکوک بین کردها و رژیم بعث مبارزه وجود داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ فصل نوینی در روابط ایران با کردهای عراق گشوده شد. اعلان جنگ عراق علیه ایران شرایط جدیدی را در جهت گسترش روابط و هم سرنوشتی کردهای عراق و ایرانیان فراهم ساخت. کردهای عراق از روزهای آغازین جنگ، در کنار نیروهای ایرانی قرار گرفتند. در گستره‌ی مناطق مرزی مستقر شده و با اعزام نیروهای شان به خطوط نبرد به یاری نیروهای ایرانی شتافتند. این همکاری نظامی تا روزهای پایانی جنگ ادامه داشت. بنا به همین دلایل بود که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۱ به هنگام آواره شدن کردهای عراقی اعتراض خود را در خصوص صدام به سازمان ملل ارسال نمود و با ایجاد منطقه‌ی امن و خودمختاری کردستان عراق، ایران هم‌چنان از کردها حمایت کرد تا ضمن حفظ قدرت نفوذ خود از طریق کردها، بازیگران دیگر منطقه‌ای، به خصوص ترکیه را مهار نماید. در این دوره برای کردها هم اتحاد با ایران به عنوان یک عامل طبیعی برای استمرار محسوب می‌شد. با سرنگونی رژیم صدام روابط کردها هم‌چنان مثل سابق ادامه یافت و ایران به عنوان اولین کشوری بود که نسبت به افتتاح کنسولگری در حکومت اقلیم کردستان اقدام نمود. گرچه در یک دهه‌ی گذشته روابط ایران با حکومت اقلیم کردستان هم‌چنان

برقرار است، ولی دشمن سرسخت و دیرینه‌ی کردها، یعنی کشور ترکیه در صحنه‌ی رقابت در کردستان عراق، به‌عنوان بازیگری فعال بر ایران سبقت گرفته و هم‌چنان که اشاره شد، از فرصت‌های به‌دست آمده جهت توسعه‌ی منافع ملی کشور خود استفاده می‌نماید. روابط بین ترکیه و حکومت اقلیم کردستان در یک دهه‌ی گذشته به طور قطع اثراتی بر منافع جمهوری اسلامی در بر داشته است. در همین زمینه اهم این تأثیرات به صورت مختصر بیان خواهد گردید:

تأثیرات اقتصادی

حکومت اقلیم همواره کالاهای مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر وارد می‌کند و محلی مناسب برای سرمایه‌گذاری در سطح منطقه می‌باشد. به لحاظ اقتصادی و سرمایه‌گذاری، علی‌رغم این که ترکیه در هیچ یک از برهه‌های زمانی کردها را قبول نداشته و همواره با دیدی منفی به آنها نگریسته، ولی به لحاظ اقتصادی مقام اول در این منطقه را تصاحب نموده است. نقش فعال ترکیه در چند سال گذشته باعث شده صادرات ایران به منطقه‌ی کردستان علی‌رغم وجود مرز مشترک و هم‌چنین تعداد بازارچه‌های مرزی بیش‌تر نسبت به ترکیه در رتبه‌ی دوم قرار گیرد. دبیر کل مکتب سیاسی حزب دمکرات کردستان عراق نیز به این نکته اشاره می‌کند که میزان روابط اقتصادی و فرهنگی ایران و اقلیم، شایسته‌ی آن سوابق و روابط عمیق دیرین نیست. (میرانی، ۱۳۹۲، www.akamnews.com)

برابر آمارهایی که توسط نماینده‌ی حکومت اقلیم در ایران بیان شده است، «حجم تجارت ایران و اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۱ برابر ۴ میلیارد دلار بوده، در حالی که حجم تجارت ترکیه و اقلیم در همان سال بیش از ۱۰ میلیارد دلار بوده است. از سوی دیگر، تا پایان سال ۲۰۱۱ مجموعاً ۲۱۱۸ شرکت در کردستان مشغول به فعالیت بودند که از این تعداد ۱۲۰۰ شرکت یعنی بیش از ۶۰ درصد آنها مربوط به ترکیه بود و ایران با ۱۹۰ شرکت در جایگاه دوم قرار دارد. این در حالی است که طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ تعداد شرکت‌های ایرانی در حکومت اقلیم ۴۶۰ شرکت ولی شرکت‌های ترکیه‌ای ۱۸۲ شرکت بودند. (عمر دباغ، ۲۰۱۲) این

آمارها تا حدودی، تأثیرات حضور اقتصادی فعال ترکیه در حکومت اقلیم کردستان بر منافع جمهوری اسلامی ایران را مشخص می‌نمایند.

با شروع اکتشاف و بهره‌برداری از نفت و گاز شمال عراق، شرکت‌های ترکیه‌ای ضمن سرمایه‌گذاری، به‌عنوان یک کانال واسطه، برای اجرایی نمودن پروژه‌ی عظیم نابوکو که انتقال نفت اقلیم را هم در بر می‌گیرد، در خصوص انتقال نفت اقلیم کردستان ایفای نقش می‌نمایند. کشور ترکیه به دلیل فقدان نفت و گاز مورد نیاز، مجبور است آنها را از کشورهای ایران و روسیه وارد کند و در این زمینه قرارداد بلندمدتی تا سال ۲۰۲۱ با ایران منعقد نموده است، ترکیه در مقایسه با اروپا مبالغی بسیار بیش‌تر از آنها جهت تأمین نفت و گاز پرداخت می‌کند و از سوی دیگر، با توجه به این‌که در چند سال اخیر ترکیه همواره به‌دنبال پیوستن به اتحادیه‌ی اروپا بوده و مجبور است جهت پیوستن به این اتحادیه، شرط‌های آن را بپذیرد، از آنجایی که در طی چند سال گذشته اتحادیه‌ی اروپا نفت و گاز ایران را تحریم نموده و از کشورهای عضو خواسته که از ایران نفت و گاز خریداری نکنند، علی‌رغم توجه نکردن ترکیه به درخواست اتحادیه‌ی اروپا در طی چند سال گذشته، این احتمال وجود دارد که ترکیه به منظور هموار نمودن مسیر عضویت با درخواست این اتحادیه موافقت کند. روابط ترکیه و روسیه نیز در چند سال گذشته همواره در نوسان بوده و ترکیه این احتمال را خواهد داد که روسیه از صادرات این منابع به ترکیه خودداری کند. با توجه به موارد ذکر شده، در خصوص قیمت انرژی، عضویت در اتحادیه‌ی اروپا، احتمال عدم صادرات از روسیه، ترکیه از همین حالا به فکر چاره باشد و ضمن چشم طمع دوختن به منابع اقلیم کردستان به این نتیجه رسیده که سرمایه‌گذاری در نفت و گاز اقلیم کردستان و ایجاد یک وابستگی متقابل با حکومت اقلیم، بهترین راه چاره در این زمینه می‌باشد. در صورت عملی شدن این ایده، احتمال لغو قرارداد انرژی ترکیه با ایران وجود دارد که این موضوع نیز معارض با منافع ایران است.

تأثیرات سیاسی

از آنجا که ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در سطح منطقه نفوذ زیادی دارد و از طرف دیگر، کشور ترکیه نیز به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای فعال به منظور قدرت‌نمایی هر چه بیش‌تر

با پیگیری سیاست عمق راهبردی سعی در رهبریت منطقه دارد و به دلیل تقدم منافع اقتصادی بر منافع سیاسی با حکومت اقلیم رابطه برقرار نموده است. راهبرد اهداف سیاسی و امنیتی ترکیه در حکومت اقلیم کردستان در چند سال گذشته مسلماً اثرات امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران در برداشته که به شرح زیر بررسی می‌گردد:

دو کشور ترکیه و ایران در سال ۱۹۹۱ به هنگام تشکیل حکومت اقلیم که هر دو دارای قوم کرد می‌باشند، به لحاظ امنیتی با برگزاری جلسات متعدد تلاش نموده‌اند به منظور جلوگیری از شعله‌ور شدن احساسات ناسیونالیستی کردهای تحت حاکمیتشان، از تشکیل دولت مستقل کرد در شمال عراق ممانعت به عمل آورند، ولی به نظر می‌رسد در چند سال گذشته در دیدگاه ترکیه نسبت به حکومت اقلیم تغییرات جدی صورت گرفته باشد، چون ترک‌ها در مذاکراتی که در خصوص شورشیان پ.ک.ک با کردهای عراق داشته‌اند، تا به حال نتوانسته‌اند در خصوص همکاری نظامی بر علیه پ.ک.ک، کردها را قانع کنند، به همین علت ترک‌ها به این واقعیت رسیده‌اند که کردهای عراق نه تنها به حمله‌ی مسلحانه با پ.ک.ک نخواهند پرداخت، بلکه این احتمال را می‌دهند که در آینده به آنها کمک هم بکنند و از طرفی دیگر، سکوت حکومت اقلیم در برابر حملات ترکیه به کوهستان‌های قنديل احتمالاً به دلیل قراردادهای دوران گذشته‌ی عراق با ترکیه باشد و حکومت اقلیم در این مقطع زمانی که کاملاً به ترکیه وابسته است، نمی‌خواهد بر سر این موضوع با ترکیه درگیر شود. سیاست سرمایه‌گذاری ترکیه در حکومت اقلیم کردستان، نرمش در سخنان رئیس‌جمهور ترکیه در پایان سال ۲۰۱۲ در خصوص کردهای ترکیه، استفاده از نقطه نظرات و همکاری‌های حکومت اقلیم کردستان در خصوص کردهای سوریه و دفاع از کردها در عرصه‌ی سیاسی فعلی عراق می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که در صورت اعلام استقلال کردهای عراق ترکیه حساسیت چندانی نسبت به آن نداشته باشد، حسن اوانال، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه بیل کنت در یکی از مقالاتش به این اشاره می‌کند: اکنون که دولت‌سازی کردی به مثابه یک امر گریزناپذیر در حال تحقق است، پس چه بهتر که ترکیه در نقش سردمدار منطقه‌ای و حامی این فرآیند ظاهر شود. (احمدلغورکی، ۱۳۸۷: ۱۴۳) با سیاستی که

ترکیه در این منطقه به کار گرفته، شرایط را به سویی سوق داده که در صورت استقلال، این منطقه کاملاً وابسته به ترکیه باشد.

پرفسور ارول مانیسالی محقق برجسته‌ی ترکیه در مقاله‌ای در روزنامه‌ی جمهوریت این مطلب را عنوان کرد که ترکیه و اسرائیل در روند اجرای طرح خاورمیانه‌ی بزرگ، دولت نوری المالکی را به‌عنوان مانعی برای دستیابی به اهداف خود می‌دانند و به این جهت برای تجزیه‌ی عراق و تشکیل یک دولت کرد در اقلیم کردستان عراق می‌کوشند. (www.irna.ir: 1391) گسترش نفوذ اسرائیل در کردستان عراق باعث افزایش تنش ایران با ترکیه و حکومت اقلیم خواهد شد. در صورت تخریب روابط ایران و ترکیه آنگاه با نفوذ بی‌حد و حصری که ترکیه بر حکومت اقلیم دارد، محوری متخاصم شامل ترکیه، اسرائیل و حکومت اقلیم در غرب ایران تشکیل خواهد شد که برای منافع کشور بسیار خطرناک است. (<http://iranbazgoo.persianblog.ir>)

در یک دهه گذشته شیعیان عراق در مسند قدرت قرار داشته‌اند و به‌واسطه‌ی عقاید مذهبی و خدمات جمهوری اسلامی ایران به آنها در دوران رژیم بعث، ارتباط آنها با جمهوری اسلامی ایران در حد بالایی بوده و جمهوری اسلامی ایران توانسته نسبت به سایر رقبای منطقه‌ای بیش‌ترین نفوذ و همکاری را با آنها داشته باشد، ترکیه از زمان تدوین قانون اساسی عراق در خصوص فدرالیسم از قدرت گرفتن شیعیان و نفوذ ایران در عراق نگران بود و بر این باور هستند که تهران یک بازیگر فعال در شکل‌دهی مناقشه‌ی شیعیان عراق و گزینه‌های سیاسی آنها در باره‌ی حکومت عراق بوده است. (dail star march24-2003) ترکیه همواره سعی نموده به منظور جلوگیری از نفوذ بیش از پیش جمهوری اسلامی در عراق، حکومت مرکزی را با مشکل مواجه نماید و در طی یکی دو سال اخیر از طریق کردها اقدام به اعمال چنین سیاستی نموده، گرچه نتوانسته در روند نفوذ ایران در آن کشور خللی ایجاد نماید، ولی موفق به برهم زدن ارتباط بین خود شیعیان از جمله آیت‌الله صدر با دولت نوری مالکی شد و توانست تا حدودی دیدگاه جمهوری اسلامی را نسبت به حکومت اقلیم کردستان تغییر دهد.

تلاش ایران برای حفظ هم‌پیمانی احزاب کردستان عراق، در مجموع تاکنون مؤثر بوده، اما این تلاش نتوانسته در همه‌ی حوزه‌ها با موفقیت زیادی روبه‌رو شود و در نتیجه به نظر می‌رسد روابط ایران با جریان‌های کرد مؤثر در ساختار سیاسی عراق، به‌ویژه با حزب دمکرات گرمی و نزدیکی سابق را نداشته باشد. از سویی برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و نیز دولت‌های منطقه‌ای و رقبای تاریخی ایران با تلاش فراوان سعی داشته و دارند تا این ظرفیت بزرگ نتواند بالفعل شود و سعی دارند تا میان این دوستان دیرین به‌ویژه گردهای عراقی و ایرانی فاصله ایجاد شود. برای مثال، در انتخابات سپتامبر ۲۰۱۳ اتحادیه‌ی میهنی که همواره از جناح‌های وفادار به ایران بوده است، با شرایط جدیدی روبرو شد. این حزب از مجموع ۱۰۰ کرسی پارلمان کردستان تنها صاحب ۱۸ کرسی شد. شرایط مذکور اتحادیه‌ی میهنی را در رتبه‌ی سوم قرار داد. در این میان، رقیب دیرینه‌ی اتحادیه‌ی میهنی، حزب دمکرات صاحب ۳۸ کرسی و رقیب نوظهور یعنی جنبش گوران صاحب ۲۴ کرسی شد.

تأثیرات امنیتی

دغدغه‌ی امنیتی مقامات سیاسی ایران در خصوص مسائل امنیتی مربوط به شمال عراق به گذشته‌های دور بر می‌گردد. مهم‌ترین مسائلی که ایران در ارتباط با مناطق شمال عراق با آن روبرو بوده، عبارتند از ۱) اقدامات گروه‌های مخالف ایران در آن مناطق و رخنه به مرزهای ایران، ۲) ناامنی و بی‌ثباتی شمال عراق و تأثیر آن بر ایران، ۳) حضور و نفوذ فراینده‌ی قدرت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا و ترکیه در منطقه‌ی کردستان (کرمی، ۱۳۷۸: ۱۴) گرچه جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی کنترل موارد اشاره شده به خوبی عمل نموده است، ولی بروز برخی نگرانی‌ها در خصوص برخی جریان‌های تروریستی در شمال عراق و اخبار مربوط به طرح ترور دانشمندان هسته‌ای را نباید بی‌ارتباط با این موضوع دانست.

ترکیه در بن‌بست نارضایتی عمومی بین‌المللی از واکنش‌هایش نسبت به کردها و نیاز به تأمین هزینه‌های سنگین استقرار نیروهای امنیتی در مناطق کردنشین به سوی تغییر موضع حرکت می‌کند. (ملک محمدی، ۱۳۸۵: ۴۳) با استقلال کردستان عراق و بهبود موقعیت کردهای

ترکیه، زمینه برای تشدید قومیت‌گرایی در ایران نیز آماده خواهد شد و با توجه به وجود دو قومیت آذری و کرد در مرزهای ایران و ترکیه و اهمیت ژئواستراتژیک استان‌های آذری‌نشین و کردنشین ایران، تشدید فعالیت‌های قومیت‌گرایانه در ترکیه موجب تضعیف مبانی هویت ملی و به دنبال آن کاهش احساس وفاداری به سرزمین ایران خواهد شد. (مرادیان، ۱۳۸۵: ۴۸۵)

مقامات آنکارا در چند سال گذشته به صراحت اعلام نموده‌اند که جمهوری اسلامی ایران به شورشیان پ.ک.ک کمک می‌نماید و مجروحان این گروه اغلب در بیمارستان‌های ایران مداوا می‌شوند و از طرفی دیگر، حتی به «حضور رهبران این گروه در ایران تأکید دارند»، (Aydınlık, 2012/12/02) با توجه به این که این شبهه برای ترکیه به وجود آمده احتمال آن می‌رود که ترکیه هم به واسطه‌ی همکاری با غرب از طریق حکومت اقلیم نسبت به تجهیز گروهک‌های ضد انقلاب کرد ایران در کردستان عراق اقدام و در صورت به وجود آمدن هرگونه مشکلی، از این گروه‌ها جهت بر هم زدن امنیت منطقه‌ی کردستان ایران استفاده نماید. ترکیه یکی از نزدیک‌ترین متحدین آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه بوده و به دلیل تضاد عمیق در ساختار حکومتی خود با جمهوری اسلامی ایران و نگرانی از نفوذ اسلام در این کشور، تهدیدی بالقوه علیه جمهوری اسلامی ایران است. (مرادیان، ۱۳۸۵: ۳۲۹)

بمباران کوهستان‌های قندیل توسط ترکیه به بهانه‌ی از بین بردن نیروهای پ.ک.ک در طی بیش از دو دهه‌ی گذشته همواره باعث ناامنی برای مرزنشینان جمهوری اسلامی شده و مانعی در توجه به سرمایه‌گذاری مرزی در این مناطق شده است. در اثر این حملات به کرات اتفاق افتاده است که ایرانی‌های ساکن در آن مناطق مرزی کشته، قطع عضو و یا دچار آوارگی گردیده‌اند. به نکات دیگری که در این زمینه می‌توان به آن اشاره نمود، بحث گردشگری، دام‌پروری و کشاورزی با توجه به آب و هوای مناسب این منطقه در قسمت مرزی ایران می‌باشد که به دلیل نبود امنیت امکان استفاده از این مناطق به سختی انجام می‌گیرد. این هم

یکی از پیامدهای آشکار ترکیه در ارتباط کردستان عراق بر ایران می‌باشد که کردهای عراق در زمینه‌ی این بمباران‌ها سکوت کرده‌اند.

در پی توافق صورت گرفته بین دولت ترکیه و پ ک ک ۷ هزار چریک مسلح کرد از ترکیه خارج و در منطقه‌ی رانیه مستقر شدند. این در حالی است که ممکن است پ ک ک در بازی دیگری متوجه درگیری مسلحانه در ایران و کمک به نیروهای پژاک شود. چون پژاک از نیروهای پ ک ک شکل گرفته است و ایده‌ی همه‌ی آنها تشکیل کردستان بزرگ و مستقل است. به همین علت استقرار پ.ک.ک در نزدیکی مرز، امنیت و منافع ملی ایران را به خطر می‌اندازد. (مهدیان، ۱۳۹۲، <http://www.noornews.ir>)

در چند سال اخیر رسانه‌های ترکیه نقش فعالی را در کردستان عراق ایفا نموده‌اند و زمینه‌ی جهت‌دهی افکار عمومی این منطقه را در مورد ایران فراهم ساخته‌اند؛ و از طرفی دیگر، دولت ترکیه در زمینه‌ی ایجاد و تأسیس کانال‌های ماهواره‌ای به کردهای عراق کمک شایانی نموده است که در واقع آنها می‌خواهند از طریق دست‌کاری افکار عمومی، زمینه‌ی افزایش فاصله‌ی میان ایران و حکومت اقلیم کردستان را فراهم سازند.

نتیجه‌گیری

لغو پیمان سور و مخالفت‌های شدید حکومت‌های وقت عراق، کردها را از رسیدن به مقاصدشان ناامید نساخت و شکست عراق در جنگ دوم خلیج فارس بهترین فرصتی بود که با ایجاد مناطق امن زمینه‌ی خودمختاری منطقه‌ی کردستان عراق را فراهم ساخت، خودمختاری کردستان عراق از همان ابتدا نگرانی‌های عمده‌ای را برای رهبران ترکیه فراهم کرد، ولی ترکیه توانست با نقش منفعلانه‌ی خود رهبران حکومت اقلیم را مهار و در جهت اجرای اهداف و برنامه‌های خود اقدام نماید. در این میان، آمریکا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین حامیان ترکیه در سطح بین‌المللی، با نزدیک شدن آنکارا و حکومت اقلیم کردستان، از اطمینان بیش‌تری در خصوص اجرای بهینه‌سازی منطقه‌ای خود گام بر خواهد داشت.

از ابتدای تأسیس جمهوری ترکیه همواره یکی از برنامه‌های اصلی آن کشور در خصوص غرب، ضمن تکیه بر اصول سیاست خارجی دوران کمال پاشا، هموار نمودن شرایط عضویت در بلوک غرب و تلاش در این جهت که خود را به‌عنوان یک کشور غربی مطرح کنند، بود. اما با توجه به سیاست‌های اخیر ترکیه بر اساس دکترین عمق راهبردی، منافع ترکیه ایجاب می‌کند که در کنار پیوستن به غرب نسبت به مداخله در کشورهای منطقه بر اساس سیاست صفر کردن مشکلات، به‌خصوص همسایگان حساس باشد.

ترکیه به‌عنوان بازیگری فعال در منطقه، راهبرد بلندمدت خود را بر نفوذ اقتصادی و سیاسی در منطقه بنا نهاده است و در صدد تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای در چند سال اخیر بوده است. بر این اساس، در راستای تحقق این سیاست راهبرد دیگری را نیز در منطقه که مبتنی بر گسترش روابط با کشورهای منطقه تدوین کرد، در این راهبرد کردستان عراق به‌عنوان یکی از همسایگان ترکیه که دارای مرز مشترک با این کشور است، به‌عنوان یکی از اولویت‌های برنامه‌ریزی شده در سیاست خارجی ترکیه مدنظر قرار گرفت. به‌طوری که ترکیه به‌عنوان وارث امپراتوری عثمانی، حکومت اقلیم کردستان را حیات خلوت نزدیک خود تلقی نموده و از مهم‌ترین اولویت‌هایش، حفظ، تداوم و حیات این منطقه در دوره‌ی کنونی می‌باشد.

ترکیه می‌کوشد با حضور در اقلیم کردستان مجموعه‌ای از اهداف سیاسی و اقتصادی را برای آن کشور میسر سازد. از جمله در چند سال اخیر با اجرایی نمودن اهداف سیاسی، امنیتی در کردستان عراق با نیت مهار شورشیان پ.ک.ک، عضویت در اتحادیه‌ی اروپا، نفوذ و دخالت در حکومت عراق و هم‌چنین اهداف اقتصادی که در دیدگاه سیاست خارجی ترکیه، مؤلفه‌ای بسیار مهم و راهگشا تلقی می‌شود، در خصوص سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در حکومت اقلیم و تأمین انرژی‌های مورد نیاز به صورت موفق‌تری عمل نموده است و در زمینه‌ی اهداف اقتصادی بیش‌ترین موفقیت‌ها را کسب نموده و توانسته است برگ برنده را در این زمینه از آن خود سازد و در تمامی زمینه‌ها آن‌گونه برنامه‌ریزی نموده است که حتی در صورت استقلال حکومت اقلیم، این منطقه وابسته به ترکیه باشد. البته رهبران حکومت اقلیم نیز بر این باورند

که ترکیه در ترتیبات منطقه‌ای نقش زیادی را داراست، به همین دلیل بر آنند تا با بهره‌گیری از موقعیت‌های خاص آن، از این کشور به‌عنوان اهرمی جهت توسعه‌ی اقتصادی و هم‌چنین به‌عنوان اهرمی علیه مخالفان خود بهره‌گیرند. نتیجه‌گیری از مطالب ارائه شده حاکی از آن است که روابط ترکیه با حکومت اقلیم بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده و به همین دلیل لازم است مسئولان جمهوری اسلامی ایران با نگاهی جدی به موضوع چگونگی تأمین منافع ملی کشور در این منطقه، راهکارهای لازم را طراحی و اعمال نمایند.

قدردانی

این پژوهش با استفاده از اعتبار پژوهشی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره) با شماره‌ی ۹۱ - ۷۵۱۰۲۹ حمایت شده است.

منابع

فارسی

- ۱- احمدلفورکی، بهزاد، (۱۳۸۷)، «ترکیه حال و آینده»، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۲- افشردی، محمدحسین، (۱۳۸۱)، «ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد عالی جنگ.
- ۳- ژان پی یردرینک، (۱۳۸۱)، «خاورمیانه در قرن بیستم»، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات جاویدان.
- ۴- کوچرا ک، (۱۳۸۱)، «جنبش ملت کرد و خواست استقلال»؛ ترجمه: عزیز ماملی بی‌نا، بی‌جا.
- ۵- لازری م. سی. (۱۳۸۱)، «کردستان و کرد و علل ایجاد بحران»؛ ترجمه بهزاد خوشحالی، سنندج، نشر میدیا.
- ۶- مرادیان، محسن، (۱۳۸۱)، «برآورد استراتژیک ترکیه»، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۷- مک داول، (۱۳۸۱)، «تاریخ معاصر کرد»؛ ترجمه ابراهیم یونسی، تهران نشر پانید.
- ۸- ملک محمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۵)، «ترکیه و اسرائیل دو ستون جدید منطقه‌ای»، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- ۹- اکرمی‌نیا، محمد، (۱۳۸۸)، «ژئوپلیتیک عراق جدید و تأثیر آن بر همگرایی با ایران»، مرکز مطالعات خلیج فارس، <http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?p=pages&id=734>
- ۱۰- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸)، «چشمداشت‌های ترکیه به شمال عراق»، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌ی ۹۵-۹۶
- ۱۱- حافظ‌نیا، محمدرضا. قربانی‌نژاد، ریبا، احمدی پور، زهرا، (۱۳۸۸)، «تحلیل تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره‌ی ۲.
- ۱۲- عبدالله پور، محمدرضا، (۱۳۹۰)، «تعارض ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه در میدان‌های منطقه‌ای»، فصلنامه سیاست و اندیشه، دانشگاه پیام نور واحد تهران.

- ۱۳- عمر دباغ، ناظم، (۲۰۱۲)، «بررسی روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق»، http://nazimdabbagh.com/fa/index.php?option=com_content&task=view&id=83&Itemid=1
- ۱۴- کریمی، جهانگیر، (۱۳۷۶)، «گزارشی از تحولات شمال عراق در دهه‌ی ۱۹۹۰»، مجله سیاست دفاعی، شماره‌ی ۲۰-۲۱.
- ۱۵- کریمی، جهانگیر، (۱۳۷۸)، «سیاست ایران در قبال کردستان عراق (بررسی مقایسه‌ای دهه‌ی ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰)»، مجله سیاست دفاعی، شماره‌ی ۲۶-۲۷.
- ۱۶- محمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۶)، فصلنامه تخصصی علوم انسانی، سازمان بسیج اساتید، پیش شماره‌ی ۱.

اتکلیسی

- 17- Denise Natali (2005) ; "*The Kurds and the State: Evolving National Identity in Iraq, Turkey and Iran*". New York: Syracuse University Press.
- 18- Oğuzlu Tarık,(2001) "*The Turkomans of Iraq as a Factor in Turkish Foreign Policy: Socio-Political and Demographic Perspectives*", Foreign Policy Institute, Ankara
- 19- PARK, Bill;(2004) "*Between Europe, the United States and the Middle East: Turkey and European Security in the Wake of the Iraq Crisis*", Perspectives on European Politics and Society, Vol.5, No.3
- 20- Sa'ad N. Jawad,(1979) "*The Kurdish Problem in Iraq*", in Abbas Kelidar (ed.), The Integration of Modern Iraq New York: St. Martin's Press
- 21- Alexander ;MURINSON(2006) "*The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy*", Middle Eastern Studies,
- 22- ALTUNIŞIK, M. Benli;(2009), "*Worldviews and Turkish Foreign Policy in the Middle East*", New Perspectives on Turkey
- 23- AYDIN Mustafa;(1999), "*Determinants of Turkish Foreign Policy: Historical Framework and Traditional Inputs*", Middle Eastern Studies
- 24- Benjamin Case and James Siebens,(2012), "*Kurdistan in Iraq: History and Future Prospects*" (International and Human Security)
<http://www.thinkihs.org/wpcontent>
- 25- Bruenn , Christopher(2005) "*Turkey's democratic legitimacy*", in Alex Danchf and John MacMillan, The Iraq War and Democratic Politics (London: Routledge)
- 26- Crisis Group email communication, (14 February 2008) senior Turkish official.
- 27- Crisis Group interview, (11 February 2008) senior Turkish official

- 28- Crisis Group interview,(3 December 2007) senior Turkish official, Ankara.
- 29- Crisis Group Middle East Report N°56, (18 July 2006), "*Iraq and the Kurds: The Brewing Battle over Kirkuk*".
- 30- DAVUTOĞLU, Ahmet; (2010), "*Turkish Vision of Regional and Global Order: Theoretical Background and Practical Implementation*", Political Reflection,
- 31- Evin Ahmet et al.(2010), "*Getting to Zero: Turkey, Its Neighbors and the West*", Transatlantic Academy
- 32- Grigoriadis, Ioannis N. (2010), "The Davutoğlu Doctrine and Turkish Foreign Polic", Diss. Bilkent University.<<http://www.eliamep.gr>
- 33- International Crisis Group. (7 April 2010), "*Turkey and the Middle East: Ambitions and Constraints*", Europe Report
- 34- Khajavi .Ali.(2010), "*Iraq's Alternative Routes for Reaching the European Gas Market*", EKEM | Research, Documentation, Opinion
<<http://www.ekemeuroenergy.org/en/index.php>
- 35- Khidhir Hamad Qasim.(2010), "*Turkey Looking for Economic Integration with Kurdistan Region*", Niqash.
. <<http://www.niqash.org/content.php?contentTypeID=28&id=2679&lang=0>>.
- 36- Meliha Benli Altunışık, (2007), "*Turkey's Security Culture and Policy Towards Iraq*", PERCEPTIONS
- 37- Michael Gunter,(1996), "*The KDP-PUK Conflict in Northern Iraq*", Middle East Journal <http://www.jstor.org/stable/4328927>
- 38- Michael Gunter, (March1998), "*Turkey and Iran Face Off in Kurdistan*", Middle East Quarterly, <http://www.meforum.org/>
- 39- O'Leary ,Carole .A(2002), "*The Kurds of Iraq: Recent History, Future Prospects*", Middle East Review of International Affairs (MERIA),
http://meria.idc.ac.il/journal/2002/issue4/jv6n4_a5.html.
- 40- Oğuzlu Tarık, (2004), "*Endangered Community: The Turkoman Identity in Iraq*", Journal of Muslim Minority Affairs.
- 41- olson, Robert (1996), "*the Kurdish nationalist movement in the 1990:USA*". The University of Kentucky

- 42- Othman. Ali (2003), "*The Plight Of The Kurds and the prospects for Federalism after the War on Iraq*", Ontario:Woodbridge collge.Available in: WWW.minaret.org
- 43- Park ,Bill, "*Strategic Location, Political Dislocation: Turkey, the United States, and Northern Iraq*".
- 44- Paz Amit, (2011), "*Oil and Political Authority: An Analysis of Relations Between the Government of Iraq and the Kurdistan Regional Government*", MIMEP Insight,retrievedfrom[http:// www.tuftsgloballeadership.org](http://www.tuftsgloballeadership.org)
- 45- Philips .David L,(2009), "*Confidence Building between Turks and Iraqi Kurds*", Atlantic Council of the United States, <<http://www.acus.org>
- 46- Robert Olson.(2006), "*Relations among Turkey, Iraq, Kurdistan-Iraq, the Wider Middle East, and Iran*", Mediterranean Quarterly <<http://muse.jhu.edu>
- 47- Laçiner, Sedat .(2009), "*Turgut Özal Period in Turkish Foreign Policy: Özalism*", usak yearbook of international politics and law, ankara
- 48- SAYARI, Sabri; (2000), "*Turkish Foreign Policy in the Post-Cold War Era: the Challenges of Multi- Regionalism*", Journal of International Affairs
- 49- Schom Daniel,(2009), "*Kurdistan; The Other Iraq*", GVBC, <http://www.cbsnews.com>
- 50- Wright Robin, (2002), "*'Arabization' Forces Iraqi Kurds to Flee From Homes*," Los Angeles Times, for a description of Saddam's ongoing ethnic cleansing campaign against the Kurds. <http://old.krg.org/docs/articles/robin-LA-times-arabization-dec-2001.asp>
- 51- Davutoğlu made this statement more than a month before Turkey launched the ground operation(2 January 2008). Interview on CNN TURK Television, 2 January 2008.
- 52- <http://www.aydinlikgazete.com/mansetler/17278-karayilan-iranda.html>
- 53- <http://www.mfa.gov.tr/sayin-bakanimizin-9-mayis-avrupa-guvu-vesilesiyle-abbuyukelcilerine->
- 54- <http://www.stratejikboyut.com/haber/turk-dis-politikasinin-87-yillik-analizi--31850.html>.
- 55- *Hürriyet Daily Newsm*(25 July 2010) "Turkish Investments Surpass \$620 Million in Northern Iraq <<http://www.hurriyetdailynews.com/>

- 56- *Iraq Business News*.(04 July 2010)AK News, "Turkish Minister Targets \$20bn Investment in Iraqi Kurdistan." . <<http://www.iraq-businessnews.com>
- 57- Iraq warns northern Kurdish region that its oil deals with Turkey must have Baghdad approval,(May 21, 2012) " Washington Post, , from <http://www.washingtonpost.com/business/>
- 58- *Journal* Vol. 7, No. 2 (June 2003) at <http://meria.idc.ac.il> .
- 59- Kurdistan Government, (2011) Kurdistan:Invest in Democracy, retrievedfromht\$;
[//www.krg.org](http://www.krg.org)
- 60- Letter of 4 April 1991, S/22442. Keesing's Record of World Events
- 61- Massoud Barzani (December 31, 2004) quoted in Turkish Daily News
- 62- McDermott,(1975) The Kurds (Minority Rights Group Report)
- 63- *Today's Zamaan(2013)* "Industrialists from İzmir in Arbil to Establish Business Ties
<<http://todayszaman.com/>
- 64- verdigi-yemekte-yaptigi-konusma_(-8-mayis-2009.)tr.mfa
- 65- www.dailystar.co.uk/
- 66- <http://www.ghatreh.com/news/nn17759339>
- 67- <http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=80483876>
- 68- <http://iranbazgoo.persianblog.ir/post/160>
- 69- Robin Wright, "'Arabization' Forces Iraqi Kurds to Flee From Homes," Los Angeles Times, December2002
- 70- www.akamnews.com

